

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقتصاد معاومتی (۲)

تهیه و تنظیم : دکتر فرهاد ترحمی

(آبان ماه ۱۴۰۱)

فهرست مطالب:

۱. دیباچه.....	۵
۲. مقدمه.....	۶
۳. تبیین اقتصاد کشور و استان خوزستان.....	۷
۳-۱. تحلیل شاخص های اقتصاد کلان ایران.....	۷
۳-۲. مرور مختصر شاخص های اقتصاد کلان استان خوزستان.....	۱۳
۴. ابعاد اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری.....	۱۴
۵. راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی.....	۲۰
۶. نظام فکری در اقتصاد مقاومتی.....	۲۵
۷. اصول و مبانی اقتصاد مقاومتی.....	۴۰
۸. اقدامات عملی در اقتصاد مقاومتی.....	۴۱
۹. تجربه کشورهای مختلف در زمینه اقتصاد مقاومتی.....	۴۳
۹-۱. اقتصاد مقاومتی در آمریکا.....	۴۵
۹-۲. اقتصاد مقاومتی در ژاپن.....	۴۶
۹-۳. اقتصاد مقاومتی در آلمان.....	۵۰
۹-۴. اقتصاد مقاومتی در چین.....	۵۲
۹-۵. اقتصاد مقاومتی در روسیه.....	۵۶
۱۰. فرهنگ اقتصاد مقاومتی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی.....	۵۷
منابع:.....	۶۹

۱.۰. وساج

عدالت، اساسی ترین مفهوم در حقوق انسانی است. این مفهوم یکی از عالی ترین فضایل زندگی بشری است تا حدی که انسان ها ممکن است در مورد آزادی و رفاه شک نمایند، لکن نمی توانند به عدالت بی توجه باشند. رشد اقتصادی مقدمه عدالت اجتماعی است. همچنین به تنهایی با رشد اقتصادی، عدالت حاصل نمی شود. رویکرد رشد همراه عدالت اجتماعی به شرط اجرای درست آن برای کشور، مطلوب است. این رویکرد در زمانی که ایران تحت سیطره تحریم های اقتصادی است، اهمیت بیشتر پیدا می کند. در واقع، اقتصاد ایران به منظور نیل به رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی باید مجهز به سیاستی شود که از آن تحت عنوان اقتصاد مقاومتی می توان یاد نمود.

کشور ایران در پایان سال ۱۳۹۲، شاهد ابلاغ یکی از مهم ترین اسناد کلان و تعیین کننده بود. سیاست های کلی اقتصادی موسوم به «اقتصاد مقاومتی» از طرف آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اساس بند یکم اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، به روسای هر سه قوه ابلاغ شد.

کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز، ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی، افزایش تولید، اشتغال و بهره وری از جمله موارد مطرح شده در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی است.

به دنبال این ابلاغ، دولت های مختلف تلاش می نمایند که روند اجرایی شدن آن را در قالب برنامه های مختلف تسهیل نمایند.

از زمان ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی این موضوع به یکی از مسایل مورد بحث و گفت و گو در محافل اقتصادی و رسانه ای کشور تبدیل شده و در مورد محتوا، بایدها و نبایدها و الزام های اجرایی شدن این سیاست ها، مسایل مختلفی از طرف کارشناسان مطرح شده است.

از آن جا که این سیاست اقتصادی محورهای مختلفی را شامل می شود، اصلاح در نحوه اجرای سیاست های پولی و مالی، خصوصی سازی، بهره وری و بهبود فضای کسب و کار و موارد دیگر را که در این جزوه به آن اشاره خواهد شد، مد نظر قرار می دهد.

امید است که مطالب ارائه شده بتواند گامی هر چند کوچک در خصوص بیان نمودن مفاهیم اقتصاد مقاومتی بر دارد.

۲. مقدمه

اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم ها علیه یک منطقه یا کشور شده است. در شرایطی که تجارت خارجی (صادرات و واردات) برای آن محدود شده باشد. باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی به معنی ریاضت نیست، بلکه به منظور بهتر شدن وضعیت مردم است و کشور را به خودکفایی در زمینه تولیدات می رساند. بنابراین برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید جایگاه ویژه ای برای تولید در نظر گرفت.

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را ندارد. ضمن این که به مبارزه با استکبار می پردازد. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که خصوصاً در سال های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، عرصه اقتصادی نام دارد. بنابراین انقلاب اسلامی خود مکلف به نوآوری، نظریه پردازی و الگوسازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، اقتصاد مقاومتی است.

این نوع اقتصاد در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می گیرد که اولاً منفعل نیست. ثانیاً، در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن دارد. با توجه به شرایط اقتصاد ایران، برای تداوم این نوع اقتصاد، ابتدا باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایط جنگ اقتصادی (جنگ نرم دشمن) معنا پیدا می کند. در این راستا، بازخوانی ضرورت های ظهور اقتصاد مقاومتی تاثیر مثبتی بر بومی سازی آن بر اساس اهداف انقلاب اسلامی دارد.

۳. تبیین اقتصاد کشور و استان خوزستان

برای شناخت بسترها و زمینه های تحقق اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید ساختار و وضعیت اقتصاد کشور و استان و نقاط ضعف آن به دقت مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور، در ادامه، شاخص های کلان کشور و استان با توجه به جدیدترین آمار موجود آسیب شناسی اقتصاد کشور و همچنین موانع و نیازمندی های تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت. لذا شناخت مقطع زمانی اجرا، اهداف بازیگران خارجی در خصوص اجرای تحریم های اقتصادی به درک ضرورت بحث در مورد اقتصاد مقاومتی بسیار کمک می نماید. در این خصوص باید گفت، استفاده از تحریم های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست و دولت ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم های اقتصادی متوسل گردیده اند. مولفه های مختلفی در این بحث می تواند مورد سنجش قرار گیرد که در ادامه به آن ها پرداخته خواهد شد.

۳-۱. تحلیل شاخص های اقتصاد کلان ایران

در ادامه، اقتصاد ایران با توجه به برخی از شاخص های کلان و طبق جدیدترین آمار موجود (سال ۱۳۹۹) مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.^۱

اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹، رشد اقتصادی بسیار ناچیزی را تجربه کرد. تشدید بیماری کرونا و تحریم های اقتصادی موجب گردید که در این سال، رشد اقتصادی کمتر از یک درصد تجربه شود. به طور کل، اصلی ترین چالش های اقتصادی سال ۱۳۹۹ را می توان در کاهش سطح تولید ناخالص داخلی، افزایش تورم و کاهش رفاه خلاصه نمود. ریشه این چالش ها را می توان در سه سطح «عوامل ساختاری»، «تشدید تحریم ها» و «خطاهای سیاست گذاری» دسته بندی کرد. دسته اول (عوامل ساختاری) را می توان در ناترازی بودجه و عدم تعادل های

^۱. از آن جا که بسیاری از شاخص های کلان اقتصادی با وقفه زمانی منتشر می شوند و موجود نمی باشند، سال ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفته است.

مالی، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری، بوروکراسی ناکارآمد و درون‌گرایی اقتصاد طبقه‌بندی کرد. این عوامل، محصول سیاست‌ها و عملکردهای بلندمدت است که به تدریج به صورت تضعیف رشد اقتصادی، تورم مزمن و کاهش رفاه آشکار شده است. بنابراین بخشی از چالش‌های پیچیده اقتصاد در سال ۱۳۹۹، محصول انباشت و استمرار سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی ناکارآمدی است که از گذشته برجای مانده است. دسته دوم (تشدید تحریم‌ها) که از میانه سال ۱۳۹۷ تاکنون مزید بر مشکلات اقتصادی کشور شده است، از مسیرها و کانال‌های مختلف، عملکرد اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. اولین و اصلی‌ترین هدف تحریم‌های خارجی، کاهش صادرات نفت و ممانعت از دسترسی ایران به عواید فروش نفت است. کاهش صادرات نفت از نیمه دوم سال ۱۳۹۷ به بعد، منجر به کاهش عواید ریالی دولت از محل فروش ارز نفتی و کسری بودجه شدید دولت شده است. از آنجا که افت شدید درآمدهای دولت به‌طور ناگهانی رخ داد، بنابراین هرگونه ابتکار عمل برای اصلاحات ساختاری در سیاست‌های مالی و بودجه‌ای، از دولت سلب شده و در نتیجه، دولت برای جبران کسری بودجه به سیاست‌هایی روی آورده است که در عمل موجب پولی شدن ناترازی مالی دولت و انتقال ناترازی به منابع بانک مرکزی شده است. از جمله، اقداماتی مانند برداشت ریالی از منابع صندوق توسعه ملی، موجب انتقال مستقیم کسری بودجه دولت به متغیرهای پولی شده است. بنابراین بخشی از رشد متغیرهای پولی، در نتیجه اثرات غیرمستقیم تحریم‌های خارجی است. اثر دیگر تحریم‌های خارجی، کاهش صادرات غیرنفتی است. این مساله از یک طرف به کاهش تقاضای اقتصاد و تشدید رکود تولیدات داخلی و از طرف دیگر به کاهش منابع ارزی برای واردات ماشین‌آلات و مواد اولیه منجر شده است. کاهش واردات ماشین‌آلات نیز به واسطه کاهش سرمایه‌گذاری، به تضعیف رشد اقتصادی منجر شده است. تحریم‌های خارجی بر افزایش نااطمینانی و ریسک سرمایه‌گذاری نیز موثر بوده است. بر اثر محدودیت‌های بانکی و تجاری به‌وجودآمده از تحریم‌ها و چشم‌انداز نامشخص تحریم‌ها در آینده، بنگاه‌های اقتصادی با انواع نااطمینانی‌ها مواجهند که هم بر کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری موثر است و هم بر رفتار بازار و شکل‌گیری تقاضای احتیاطی ارز و طلا و امثال آن

اثر گذاشته است. دسته سوم (خطاهای سیاست گذاری)، در کنار دو عامل دیگر، اقتصاد کشور را با مشکلات مضاعف مواجه کرده است. با تشدید تحریم های خارجی، قابل پیش بینی بود که اقتصاد کشور همزمان با تنگنای ارزی و کسری بودجه عمومی مواجه خواهد شد. در چنین شرایطی قاعدتا لازم بود که از یک طرف، تقاضای ارز کنترل شود و از طرف دیگر از طریق اصلاح رفتار مالی دولت، کسری بودجه دولت مدیریت شود. اما در عمل مسیری خلاف جهت طی شد، به طوری که دولت به جای مدیریت منابع ریالی و ارزی، اولویت را بر ممانعت از شکل گیری نارضایتی عمومی قرار داد. در این راستا، دولت ابتدا تامین ارز واردات کلیه کالاها و پس از چند ماه، واردات کالاهای اساسی را با نرخ بسیار پایین تر از نرخ تعادلی اقتصاد تقبل کرد. اجرای سیاست ارز ۴۲۰۰ و اصرار به ادامه آن، منجر به توزیع رانت، مازاد واردات، خروج سرمایه، اتلاف منابع ارزی کشور و تعمیق رکود گردید. به دنبال تشدید تحریم ها، از یکسو بر اثر رشد نقدینگی دوره های قبل و از سوی دیگر بر اثر جهش نرخ ارز و تغییر جهت انتظارات، قیمت ها با بی ثباتی مواجه شدند. در این شرایط، دخالت های گسترده دولت در بازارها و اقداماتی مانند قیمت گذاری بر انواع محصولات، تشدید نظارت بر توزیع و تولید و برخوردهای تنبیهی با برخی از تولید کنندگان به بهانه احتکار یا گران فروشی، موجب اختلال گسترده در بازارها و فشار بر بنگاه ها و واحدهای تولیدی شد. در شرایط تحریم، دولت به جای کاهش فشار بر بنگاه ها و تسهیل مقررات، در مقابل اقدام به تشدید فشار بر بنگاه ها و اختلال در سازوکارهای بازار و تشدید نااطمینانی کرده است. طی سال گذشته، تغییرات پی در پی و سریع مقررات و سیاست های دولت در حوزه های مختلف، بر نااطمینانی ها افزود. عدم اطلاع جامعه از تصمیمات آتی دولت و پیش بینی ناپذیری سیاست ها، فرصت تطبیق با شرایط اقتصادی را از بنگاه ها اقتصادی سلب نمود. بنابراین، علاوه بر تکانه ناشی از تحریم های خارجی و تنگنای مالی و اقتصادی ناشی از آن، خطاهای سیاست گذاری، مشکلات اقتصادی را در سال ۱۳۹۹ تشدید نمود.

جدول ۱ نشان می دهد که اکثر شاخص های کلان اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸، روند نزولی و نامطلوبی داشته اند. شاخص های مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد نظیر رشد اقتصادی، صادرات و واردات با کاهش قابل توجه روبرو بوده اند. مهم ترین شاخص پولی (نرخ تورم) به ۳۶,۴ درصد رسیده است.

جدول ۱: متغیرهای کلان اقتصاد ایران طی سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

نام متغیر	مقدار ۱۳۹۸	مقدار ۱۳۹۹	درصد تغییرات
محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار (هزار میلیارد ریال)	۳۴۲۵۳	۵۰۳۰۹	۴۶,۸
محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ (هزار میلیارد ریال)	۷۰۱۴	۷۰۸۳	۰,۹۸
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت جاری (هزار میلیارد ریال)	۷۳۷۹	۱۲۵۹۲	۷۰,۶۹
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت ۱۳۹۰ (هزار میلیارد ریال)	۱۳۲۳	۱۳۵۶	۲,۴۹
سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)	۱۵۰۸	۱۳۴۲	-۱۱
نرخ اشتغال (درصد)	۸۹,۳	۹۰,۴	۱,۱
تورم به قیمت ثابت ۱۳۹۵ (درصد)	۳۴,۸	۳۶,۴	۶,۱
نقدینگی (هزار میلیارد تومان)	۲۴۷۲	۳۴۶۷	۴۰,۲۵
بودجه دولت (هزار میلیارد ریال)	۱۷۴۴۳۱	۲۰۲۶۶۵	۱۶,۱۸
درآمدهای مالیاتی مصوب (هزار میلیارد ریال)	۱۷۲۵	۲,۴۵	۱۸,۵۵
صادرات نفت (میلیون دلار FOB)	۲۹۰۱۶	۲۱۰۴۳	-۲۷,۵
صادرات کالا (میلیون دلار FOB)	۵۹۳۹۱	۴۹۸۴۸	-۱۶,۱
واردات کالا (میلیون دلار FOB)	۵۲۲۳۶	۴۶۶۱۲	-۱۰,۸
شاخص کل بورس (بدون واحد)	۵۰۶۰۷۹	۱۳۰۷۷۰۷	۱۵۸,۳۹

مأخذ: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی

جدول ۲ جزئیات رشد اقتصادی را در سال ۱۳۹۹ به تفکیک بخش های عمده اقتصادی نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود، بیشترین رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹ در بخش ساختمان مشاهده می شود. وضعیت بخش های تامین آب، برق و گاز طبیعی و کشاورزی نیز در این سال قابل توجه بوده است. تشدید بیماری کرونا موجب شده است که رشد بخش خدمات در سال ۱۳۹۹ منفی شود. در زیر بخش های آن، خدمات عمده فروشی، خرده فروشی و هتل و رستوران ۳,۵- درصد، خدمات امور عمومی، آموزش و بهداشت و مددکاری

۱- درصد، خدمات مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار به میزان ۰,۵- درصد و سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی ۵۳,۷- درصد رکود را تجربه کرده اند.

جدول ۲: جزئیات رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۹ به قیمت ثابت ۱۳۹۰

بخش اقتصادی	۱۳۹۹
کشاورزی	۳,۵
معادن	۱
صنعت	۱,۸
تامین آب، برق و گاز طبیعی	۵,۱
ساختمان	۶,۳
خدمات	-۱,۵

مأخذ: مرکز آمار ایران

با توجه به تحلیل های صورت گرفته، پیشنهادهای زیر در جهت بهبود وضعیت اقتصادی ایران ارائه می گردد:

۱. حجم نقدینگی بیش از ۵۰۰۰ هزار میلیارد تومانی (آبان ماه ۱۴۰۱)، منشا اصلی تورم است. برای جلوگیری از ورود نقدینگی به بازارهای دارایی ها و کالاهای بادوام، مدیریت نوسانات و همچنین کنترل سفته بازی در این بازارها به ویژه در بازار ارز ضروری است. کنترل تغییرات شدید نرخ ارز از طریق انتخاب صحیح قیمت و مداخله سازنده در بازار ارز، می تواند فرصت های سفته بازی را تا حد ممکن محدود سازد. بنابراین، در کنار مدیریت نوسانات ارز، وضع مالیات بر عایدی سرمایه و یا مقررات محدود کننده در مبادلات این بازارها با هدف افزایش هزینه های مبادلاتی نیز می تواند انگیزه ورود به این بازارها را محدود نماید.

۲. یکی از عوامل افزایش نقدینگی و تورم، کسری بودجه دولت است که از طریق افزایش بدهی های دولت به بانک مرکزی یا بانک ها یا فروش اوراق مالی تأمین می شود. راهبرد بهینه در این خصوص، کاهش کسری بودجه از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی با تمرکز بر جلوگیری از فرار مالیاتی و گسترش پایه های مالیاتی

(خصوصاً مالیات بر عایدی سرمایه) و همچنین مدیریت هزینه‌ها با تمرکز بر اصلاحات در فرآیندها و قوانین است. چنانچه پس از اصلاحات به دلیل محدودیت‌های اعمال‌شده بر صادرات نفت، بودجه دولت کسری داشته باشد، فروش اوراق مشارکت بر استقراض مستقیم از بانک مرکزی و بانک‌ها، اولویت دارد.

۳. یکی از ملزومات مدیریت نقدینگی، هماهنگی نرخ‌های سود دارایی‌ها در بازارهای مختلف است. به عنوان نمونه، چنانچه در بازار سرمایه نرخ‌ها، بسیار بالاتر از سود سپرده‌ها تعیین شود، اختلالات جدی در بازار پول کشور شکل خواهد گرفت. در این شرایط تأسیس شورای هماهنگی ثبات مالی کشور (به منظور ایجاد هماهنگی در تعیین نرخ سود دارایی‌های منتشره در بازارهای پول) ضروری است.

۴. تسهیل مبادلات با کشورهای ترکیه، روسیه، چین و هند. این کشورها به دلیل نیاز وافر به نفت ایران کماکان، شریک تجاری خواهند بود و امکان ورود تکنولوژی و کالاهای واسطه‌ای از آن‌ها میسر می‌باشد.

۵. با توجه به کمبود سرمایه در اقتصاد ایران، به کارگیری استراتژی رشد نامتوازن از طریق شناسایی بخش‌های پیشرو ضروری است. نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که بخش‌های پتروشیمی، فولاد، فرآورده‌های نفتی، ساختمان، در اقتصاد ایران دارای اولویت می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌گردد اجرای برنامه‌های توسعه (که برنامه‌ریزی جامع و استراتژی رشد متوازن را مدنظر قرار دارند) مورد بازبینی مجدد قرار گیرد و سرمایه‌گذاری صرفاً در بخش‌های پیشرو انجام پذیرد.

۶. ظرفیت‌سنجی دقیق از توان تولید کالای داخلی در صنایع مختلف، تعیین سهمیه‌های وارداتی و برنامه‌ریزی برای تکمیل زنجیره‌های تولید در داخل به خصوص در حوزه کالاهای اساسی و استراتژیک، استفاده از ابزارهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای مدیریت واردات، مجهز کردن کامل گمرکات به تجهیزات کنترل خودکار واردات، شفاف‌سازی میزان واردات کالاها و بررسی تطابق آن با نیاز داخلی و افزایش هزینه قاچاق.

۷. ماموریت اصلی دیپلماسی ایران باید تسهیل صادرات و بازگشت ارز حاصله به داخل کشور باشد. در این راستا می توان پرداخت حق ماموریت همه دیپلمات ها در خارج را به رشد منطقی و ماهانه صادرات در حوزه ماموریت آن ها و بازگشت ارز آن به کشور مشروط نمود.

۸. تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی منجر به هدررفت منابع ارزی، فساد و رانت شده و قیمت این کالاها نیز در بازار افزایش یافته است. ادامه تأمین ارز از بازار برای تأمین ارز ترجیحی واردات، به افزایش پایه پولی منجر می شود. به عنوان راهکار جایگزین، دولت می تواند معیشت طبقات ضعیف را از طریق اختصاص کارت رفاه الکترونیک برای خرید کالاهای اساسی تضمین کند.

۲-۳. مرور مختصر شاخص های اقتصاد کلان استان خوزستان

استان خوزستان دارای ظرفیت های مختلف تولیدی نظیر نفت خام و گاز طبیعی، پتروشیمی، فولاد و کشاورزی می باشد. این استان طبق آمارهای حساب منطقه ای سال ۱۳۹۹ در حدود ۵۰ درصد از ارزش تولید معدن (شامل نفت خام و گاز طبیعی) کشور را به خود اختصاص داده است. در ضمن بیش از ۲۰ مجتمع پتروشیمی در استان فعالیت دارند. با توجه به موارد فوق، سیاست گذاری کلان استان بر توسعه بخش نفت خام و گاز طبیعی (توسعه استخراج نفت خام و گاز طبیعی خصوصاً از منابع مشترک با سایر کشورهای همسایه در راستای بند ۱۴ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی)، توسعه صنایع پایین دستی بخش نفت خام و گاز طبیعی در راستای بند ۱۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی استوار است. به علاوه، توسعه حوزه عمل منطقه آزاد اروند (بند ۱۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی) نیز در دستور کار سیاست گذاران اقتصادی استان می باشد. جدول ۳، وضعیت محصول ناخالص تولیدی استان را طبق آخرین آمار موجود نشان می دهد.

جدول ۳: محصول ناخالص داخلی استان خوزستان در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ (میلیون ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۰)

عنوان	مقدار سال ۱۳۹۸	مقدار سال ۱۳۹۹	سهم کشوری در	سهم کشوری در
-------	----------------	----------------	--------------	--------------

محصول ناخالص داخلی با در نظر گرفتن بخش معدن	۹۴۲۰۰۳۷۸۸	۹۶۹۰۲۵۵۵۴	سال ۱۳۹۸ (درصد)	سال ۱۳۹۹ (درصد)
محصول ناخالص داخلی بدون در نظر گرفتن بخش معدن	۳۲۵۳۶۰۲۵۷	۳۲۶۱۵۰۸۹۳	۵	۵
رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۹ (درصد)	۲/۸۷			

مأخذ: مرکز آمار ایران

بر اساس شاخص محصول ناخالص داخلی، در سال ۱۳۹۹ استان خوزستان ۱۳/۶ درصد از اقتصاد ملی را به خود اختصاص داده است که نسبت به سال قبل (۱۳۹۸) تغییر چندانی نداشته است. رشد اقتصادی استان نیز در سال ۱۳۹۹، معادل ۲/۸۷ درصد بوده است.

۴. ابعاد اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تاکید گردد. به منظور تعیین چارچوب مشخص از ساختار اقتصاد مقاومتی، به ۱۰ پرسش که توسط معظم له پاسخ داده شده است، توجه فرمایید. بدیهی است، پاسخ های مشخص شده به عنوان سرفصل اقدامات آتی به منظور رفع مشکلات اقتصاد کشور و استان (که در بخش اول ذکر شد)، می تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱. اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟
یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است – این آن جنبه ی مثبت – اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه های اجتماعی و زیر و رو شدن های اقتصادی که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری

افتاده‌اند. پس مطلب اوّل این که این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه‌ی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

۲. اقتصاد مقاومتی درون‌زا به چه معناست؟

این اقتصاد درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد. رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است.

۳. آیا درون‌زایی اقتصاد مقاومتی همان درون‌گرایی اقتصاد است؟

درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلم‌ها و زبان‌ها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای این که ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند دارند می‌کنند. من عرض می‌کنم تا برای افکار عمومی‌مان روشن باشد.

۴. آیا اقتصاد مقاومتی، اقتصادی دولتی است؟

این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی

که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می کند. بنابراین آماده سازی شرایط، وظیفه ی دولت است؛ تسهیل می کند.

۵. عدالت در اقتصاد مقاومتی چگونه تعریف می شود؟

این اقتصاد، عدالت محور است؛ یعنی تنها به شاخص های اقتصاد سرمایه داری - مثل رشد ملی، تولید ناخالص ملی اکتفا نمی کند؛ بحث این ها نیست که بگوییم رشد ملی این قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی این قدر زیاد شد؛ که در شاخص های جهانی و در اقتصاد سرمایه داری مشاهده می کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می میرند. این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص های علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخص ها هم توجه می شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

۶. با توجه به برنامه های اقتصاد مقاومتی، مشکلات کنونی اقتصاد کشور حل خواهد شد؟

در این که گفتیم اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است - که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است - نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم سازی، محکم سازی پایه های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می کند.

۷. آیا اقتصاد مقاومتی که شعار آن را می دهیم، تحقق پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟

پاسخ این است که نخیر، کاملاً، عملاً، حتماً ممکن است؛ چرا؟ به خاطر ظرفیت ها؛ چون این کشور، دارای ظرفیت های فوق العاده است. این ها چیزهایی است که آمارهای عجیب و غریب لازم ندارد، جلوی چشم همه است، همه می بینند.

۸. ظرفیت های کشور ما در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چه می باشد؟

یکی از ظرفیتهای مهم ما، ظرفیت نیروی انسانی ما است. نیروی انسانی در کشور ما، یکی از بزرگترین ظرفیت های کشور ما است؛ این یک فرصت بزرگ است. عرض کردیم، جمعیت جوان کشور - از پانزده سال تا سی سال - یک حجم عظیم از ملت ما را تشکیل می دهند؛ این خودش یک ظرفیت است. تعداد ده میلیون دانش آموخته ی دانشگاه ها را داریم؛ ده میلیون از جوان های ما در طول این سال ها از دانشگاه ها فارغ التحصیل شدند. همین حالا بیش از چهار میلیون دانشجو داریم که اینها در طول چند سال آینده فارغ التحصیل می شوند؛ جوانان عزیز بدانند، این چهار میلیونی که می گویم، ۲۵ برابر تعداد دانشجو در پایان رژیم طاغوت است؛ جمعیت کشور نسبت به آن موقع شده دو برابر، اما تعداد دانشجو نسبت به آن موقع شده ۲۵ برابر.

یکی از ظرفیت های مهم کشور ما منابع طبیعی است. من سال گذشته در همین جا راجع به نفت و گاز گفتم که مجموع نفت و گاز ما در دنیا درجه ی یک است؛ یعنی هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران، بر روی هم نفت و گاز ندارد. مجموع نفت و گاز ما از همه ی کشورهای دنیا - شرق و غرب عالم - بیشتر است. امسال که من دارم با شما حرف می زنم، کشفیاتی درمورد گاز شده است که نشان می دهد که از آن مقداری که سال گذشته در آمارهای ما بود، از آن مقدار هم منابع گازی ما و ذخیره های گازی ما افزایش پیدا کرده است. به علاوه فلزات کمیاب نظیر طلا و همچنین سنگ آهن، سنگ های قیمتی، انواع و اقسام فلزهای لازم و اساسی - که مادر صنایع محسوب می شوند - در کشور وجود دارد.

ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت و آمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصت های بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در جنوب به دریای آزاد و در

شمال به آبهای محدود منتهی می شود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی می کنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمی است. یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاستهای اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال این‌ها؛ زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است.

۹. آیا با وجود تحریم‌های اقتصادی می‌توان از ظرفیت‌های کشور استفاده کرد؟

خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیت‌ها می‌توانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمی‌توانید از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانش‌های پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهلاد و موشک، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، می‌توانیم اقتصاد را شکوفا کنیم.

۱۰. اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟

اولاً مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند.

دوم، صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب می‌شود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.

سوم، صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند – کم یا زیاد – و می‌توانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند – چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون – آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

بعدی، مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. یعنی چه؟ یعنی همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همین جا با اصرار فراوان گفتم، یک عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از: مصرف تولیدات داخلی. شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به‌جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه

ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روزبه‌روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید.

۵. راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی

با توجه به نکات مطرح شده توسط مقام معظم رهبری، برخی از راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱. حمایت از تولید ملی:

تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت تداوم تولید ملی مبین سه وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می‌باشد. سه حلقه‌ای که نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر، بر گسترش تولید تاثیر مثبت دارد. یعنی هرچه قدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم، ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای تولید داخلی نخواهد بود. اگر تولیدکننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کنند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، بازهم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

۲. سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی:

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد. بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفاء نقش

خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می تواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید. اقتصاد مقاومتی بر پایه سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم هاست.

۳. توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین:

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد.

زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای رقیب اجازه نمی دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، می توان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی های اقتصاد مقاومتی است. شرایط باید به گونه ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست. بلکه نگرانی درخصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم ها عمل می کند.

۴. عقلانیت اقتصادی:

در اجرای اقتصاد مقاومتی، عقلانیت اقتصادی حکم می کند که مشکلات و نارسائی ها به طور دقیق شناسایی و ردیابی گردد و دلایل آن ها بررسی، ارزیابی و پیش بینی شود. باید مشکلاتی نظیر تورم و نقدینگی را مورد به مورد بررسی کرد و اگر ریشه داخلی دارند، به گردن مسائلی نظیر تحریم نینداخت. تشخیص صحیح مشکل، حل آن را ساده یا امکان پذیر می کند. اگر مشکل خوب و درست تشخیص داده شود و علت معلوم گردد، مطمئناً پیچیدن نسخه برای حل آن آسان و عملی می شود. بنابراین ضرورت وجود نهادهای پژوهشی و کارشناسی مستقل در امر اقتصاد مقاومتی اجتناب ناپذیر است.

دانشگاه ها و مراکز پژوهشی باید به صورت خودجوش و حتی مأموریتی به این امر پردازند. اقتصاد درون زا و برون نگر که مقام معظم رهبری به آن تاکید کرده اند از مهم ترین اولویت هایی است که باید در شرایط فعلی مورد توجه قرار گیرد.

۵. تثبیت نرخ ارز:

یکی از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی، تثبیت قیمت ارز در بازار است. نوسانات موجود در بازار ارز، زمینه نابسامانی در امر تولید، عرضه و مصرف کالا را فراهم می سازد و در یک جمله بازار را دچار اختلال می کند. از این رو دولت، به عنوان اصلی ترین مقام تصمیم گیری در سیاست های مالی و ارزی کشور، می تواند بخش قابل توجهی از نوسانات موجود در بازار ارز را با تدابیر پیشگیرانه و اتخاذ سیاستهای مناسب به حداقل رسانده تا درآینده، اقتصاد کشور دچار شوک های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زودگذر نشود. توزیع مناسب و به اندازه ارز به بازار، توجه به صنایع و مایحتاج عمومی مردم، دراولویت قرار گرفتن ارز مورد نیاز، تعیین نرخ مرجع مناسب باتوجه به شرایط بازار می تواند بخشی از تدابیر دوراندیشانه دولت در کنترل قیمت و بازار ارز محسوب شود.

۶. ایجاد اشتغال:

اشتغال در کشور امنیت عمومی را به دنبال خواهد داشت. ضمن این که می تواند مشکلات فرهنگی را نیز مرتفع کند. بنابراین ایجاد فرصت های شغلی ازسوی دولت امری ضروری تلقی می گردد. در شرایط کنونی افزایش فرصت های شغلی، یکی از الزامات و اقدامات مهم مقامات مسئول در دولت محسوب می شود. چرا که در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، نیازمند نیروی کار بیشتر در کشور هستیم. ازجمله راهکارهای لازم برای رفع موانع اشتغال زایی عبارتند از: تغییر نگرش دولت به بخش خصوصی، ایجاد امنیت اقتصادی، مبارزه با مفاسد اداری، کنترل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کنترل اقتصاد زیرزمینی.

۷. ثبات قیمت ها:

یکی از زیرساخت های اقتصاد مقاومتی که به آن توجه کمتری شده است، مسأله تورم است. متأسفانه نحوه بودجه ریزی و برخی تصمیم گیری ها در نظام پولی و مالی موجب تورم زایی شده است. تورم در حال حاضر تبدیل به بیماری اقتصادی کشور گردیده است.

۸. اصلاح ساختار دولتی:

با وجودی که سال هاست در محافل مدیریتی سخن از محدود کردن تشکیلات دولتی در تمام عرصه های اقتصادی، تولیدی و اجرایی می شود، اما این گستردگی همچنان رو به فزونی است. دولت اگرچه بزرگترین مجری در سطح کلان جامعه است، اما به جای انجام نظارت و هدایت کارها، با در اختیار گرفتن منابع مادی و نیروی انسانی فراوان در چرخه اقتصاد و تولید، به اداره این منابع می پردازد. تا آنجا که امروز خود را با تشکیلات عدیده ای روبرو ساخته است. این در حالی است که با واگذار کردن بسیاری از کارهای اجرایی در اختیار بخش خصوصی از یک سو می تواند از حجم مشغله و تورم کارهای اجرایی خود بکاهد و از سوی دیگر به افزایش رضایتمندی مشتریان و انتظارات نیروهای انسانی خود و نیز افزایش کیفیت خدمات در سطح خرد و کلان کمک شایانی کند. تجربه کشورهایی که موفق به کوچک سازی بخش تشکیلاتی دولت های خود شده اند، نشان می دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده ای از نظر اجرای با کیفیت کارهای کلان خود دست یافته اند.

۹. مدیریت مصرف:

امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و همه دستگاه های دولتی و غیردولتی و همچنین آحاد مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر، مهم ترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است. از این رو خداوند در آیه ۷۶ سوره فرقان حرکت در مداری به دور از افراط و تفریط را رسیدن به پایداری دانسته است. پس فرد یا

جامعه ای که در مسیر پایداری در مصرف حرکت کند به پایداری در اقتصاد می رسد و جامعه به همان مطلوب یعنی اقتصاد سالم، شکوفا و مقاومتی دست خواهد یافت.

۱۰. قناعت (ساده زیستی و دوری از تجملات):

امیرمؤمنان علی (ع) بهترین اقتصاد و زندگی سالم اقتصادی که آسایش انسان را تامین کند، اقتصاد مبتنی بر قناعت تعریف می کنند. پس قناعت و اقتصاد واقعی به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف گرایی و ریخت و پاش غیر ضروری درهمه موارد خودداری کنند.

۱۱. تولید ثروت حلال:

تولید ثروت حلال باید در جامعه نهادینه شود و در کنار آن تولید ثروت های کاذب از طریق دلالی به امر مذموم در میان آحاد جامعه مبدل شود.

۱۲. ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی:

پرواضح است که مردم حق استفاده از کالای باکیفیت را دارند، ولی ترجیحاً باید کالای ساخت داخل را مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است، به نحوی که دست اندرکاران عرصه تولید، دولت و دانشگاه ها حلقه ارتباط صمیمی و تعامل پایداری را باید با یکدیگر داشته باشند. زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه ملی و اسلامی است و منافع زود گذر نباید منفعت ملی را به خطر بیندازد.

۱۳. نگاه مولد به درون، خوداتکایی، خود کفایی:

یکی از ویژگی های اقتصاد مقاومتی تبدیل کشور از حالت واردکننده حداکثری به حالت واردکننده حداقلی و تبدیل آن به یک کشور صادرکننده محصولات غیر نفتی و غیروابسته و غیرمتکی به نفت است.

برای این منظور جایگزینی تولیدات غیرنفتی اجباری است. شناخت ظرفیت های بومی و برنامه ریزی و عملیات برای به کارگیری آن ها در اقتصاد مقاومتی بسیار اهمیت دارد.

۶. نظام فکری در اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی الگویی اقتصادی است که در آن ساز و کارها و سیاست های اقتصادی به نحوی طراحی و اجرا شود که در برخورد با تکانه های داخلی و خارجی، سیستم اقتصادی انعطاف پذیر عمل کرده و بتواند به اهداف خود اعم از رشد اقتصادی پایدار، برقراری عدالت اقتصادی، کاهش وابستگی اقتصادی و افزایش توان رقابت پذیری جهانی برسد.

اقتصاد مقاومتی شامل ۲۴ ماده می شود. در این راستا می توان آن را به ۸ بخش تقسیم نمود.

این دسته بندی که مبنای فعالیت های مسیر اقتصاد است و تحت عنوان دکترین اقتصاد مقاومتی از آن یاد می شود، عبارت است از: دولت و بودجه، نظام مالی، تولید داخلی، نفت و انرژی، تجارت خارجی، امنیت اقتصادی، مدیریت اقتصادی و گفتمان سازی.

۷ بخش اول به طراحی سیستم اقتصادی و سازوکارهای مرتبط با آن پرداخته و بخش آخر تحت عنوان گفتمان سازی، نحوه بسط و گسترش این الگو در لایه های مختلف اجتماعی به منظور تبیین و تکمیل، آن را تشریح می نماید.

در ادامه این ۸ بخش مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. دولت و بودجه

یکی از مسائل مهم که مکاتب مختلف اقتصادی به آن پرداخته اند، نقش دولت در اقتصاد است. در حالت حداکثری، اندیشه های اقتصادی، نقش برنامه ریزی و مدیریت متمرکز اقتصاد را برای دولت قائل شده اند؛ در حالت حداقلی نیز دولت باید از اقتصاد خارج شده و هیچ گونه دخالتی در امور اقتصادی نداشته باشد.

به تناسب وظایف دولت در اقتصاد، هزینه ها و درآمدهایی نیز برای دولت ها وجود دارد که بایستی به بهترین شکل مدیریت شود تا دولت و اقتصاد را به اهداف خود برساند.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۳ مورد مرتبط با نقش دولت در اقتصاد و بازطراحی مجدد آن در الگوی اقتصاد مقاومتی و همچنین مدیریت هزینه ها و درآمدهای دولت استخراج نمود. این موارد در ادامه توضیح داده شده است:

الف. نقش دولت: اینکه دولت چگونه در اقتصاد ورود داشته باشد، مسئله بسیار مهمی است. بر این اساس، نقش آفرینی دولت و نهادهای حاکمیتی در برنامه ریزی، زمینه سازی، ظرفیت سازی، هدایت، کمک، تسهیل گری و نظارت در اقتصاد و خروج از تصدی گری و انجام امور غیرحاکمیتی، به عنوان نقش دولت در الگوی اقتصاد مقاومتی مدنظر است.

ب. درآمدهای دولت: مدیریت درآمدهای دولت با توجه به نقشی که در اقتصاد دارد، از مواردی است که در مواد ۱۷ و ۱۸ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است. افزایش سهم مالیات از درآمدهای دولت و کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای حاصل از نفت و گاز، در این حوزه مدنظر است.

ج. هزینه های دولت: مدیریت هزینه های دولت با توجه به نقشی که در اقتصاد دارد، از مواردی است که در ماده ۱۶ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است. کاهش هزینه های عمومی دولت و کشور و همچنین اصلاح ساختار و اندازه دولت و نهادهای حاکمیتی و کوچک سازی آن، در این حوزه مدنظر است.

۲. نظام مالی

نظام مالی از بانک، بورس، بیمه، صندوق های اعتباری و ضمانتی و نهادهای سیاستگذار و حاکمیتی در این حوزه تشکیل می شود. این نظام یکی از مهم ترین نقش ها را در اقتصاد بر عهده دارد، چرا که تعامل میان بازار پول و بازار کالا را در اقتصاد مدیریت می کند.

هر چه این نظام هماهنگ تر کار کند و کارآمدتر باشد، منابع مالی به نحو بهتری به تولید و فضای حقیقی اقتصاد تخصیص یافته و در نتیجه، اقتصاد با سرعت بیشتری رو به جلو حرکت می کند.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۳ بخش و ۲ ماده مرتبط با نظام مالی و اصلاح آن با توجه به الگوی اقتصاد مقاومتی استخراج نمود که پیاده سازی آن، به ایجاد نظام مالی مدنظر در اقتصاد مقاومتی منجر خواهد شد. این موارد در ادامه توضیح داده شده است:

الف. بانک: بانک یکی از شریان های اصلی اقتصاد است که وظیفه دارد منابع را از طریق سپرده های مردمی تجهیز نموده و در اختیار متقاضیان در حوزه تولید و بازرگانی قرار دهد. موارد مرتبط با بانک و نظام بانکی، در ماده ۹ و ۱۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح نظام بانکی کشور و ایجاد شفافیت اطلاعاتی در آن در تعامل با بازار سرمایه و نظام بیمه با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی جهت تقویت بخش واقعی، موضوع این بخش است.

ب. بورس: بورس نهادی است که باید تامین مالی بلندمدت تولید را بر عهده داشته باشد و بتواند منابع عمومی را به صورت مستقیم با کمترین هزینه به بخش واقعی اقتصاد برساند. موارد مرتبط با بورس و نهادهای مرتبط، در ماده ۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح بازار سرمایه کشور در تعامل با نظام بانکی و بیمه ای با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی برای تقویت بخش واقعی، موضوع این بخش است.

ج. بیمه و ضمانت: نهادهای بیمه ای و ضمانتی در کشور این نقش را برعهده دارند که ریسک تولیدکنندگان، مصرف کنندگان و سرمایه گذاران را کاهش داده و تقاضای پولی ایشان را مدیریت و تسهیل نمایند. موارد مرتبط با بیمه و ضمانت، در ماده ۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح نظام بیمه ای و ضمانت کشور در تعامل با نظام بانکی و بازار سرمایه با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی برای تقویت بخش واقعی، موضوع این بخش است.

۳. تولید داخلی

ایجاد و تقویت توانایی در کشور برای تولید کالاها و خدمات متعدد، اقدامی است که منجر به افزایش رقابت پذیری، پایداری و رشد اقتصاد خواهد شد. بنابراین استفاده از همه ظرفیت های کشور در حمایت از تولید داخلی، یکی از مهمترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی است. در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۱۰ مورد مرتبط با تولید داخلی استخراج نمود که نشان از اهمیت این بخش دارد. این موارد در ادامه توضیح داده شده است:

الف. مردم محوری: یکی از مواردی که موجب افزایش ظرفیت و توان تولید داخلی خواهد شد، استفاده از ظرفیت مردم و نقش آفرینی مردم است. این مهم در ماده ۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. طراحی سازوکارها، فراهم کردن شرایط و امکانات، تسهیل گری و تامین منابع مالی برای نقش آفرینی مردم در حوزه های مختلف اقتصادی اعم از تولید، سرمایه گذاری و کارآفرینی، در این حوزه مدنظر است.

ب. دانش بنیانی: دانش بنیان کردن بخش های مختلف اقتصاد و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی از طریق دانش به جای منابع دیگر تولید، در ایجاد پایداری و رشد و تعالی اقتصادی موثر است. این مهم در ماده ۲ سیاست های کلی مورد اشاره قرار گرفته است. پیاده سازی و اجرای نقشه

جامعه علمی کشور، ساماندهی نظام ملی نوآوری، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و همچنین بالابردن سطح فناوری کشور با دانش بنیان کردن بخش های مهم اقتصادی موضوع این بخش است.

ج. ظرفیت های داخلی: استفاده از تمامی ظرفیت های داخلی و جلوگیری از به حاشیه رفتن آن ها، در ایجاد توانمندی برای تولید داخلی ضروری است. این مهم در ماده ۲۲ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. شناسایی، به کارگیری و حمایت از ظرفیت های داخلی و درون زای کشور از جمله صنایع دریایی، هوایی، دارویی، حمل و نقل، ترانزیت، گردشگری به منظور افزایش درآمد و اشتغال و همچنین افزایش توان آفندی کشور، در این حوزه مدنظر است.

ه. صنایع کوچک و متوسط: صنایع کوچک و متوسط به عنوان خط مقدم اقتصاد و تولید داخلی کشور که در متن جامعه اشتغال ایجاد می کند، مطرح است.

و. پیشران های اقتصادی: حمایت از صناعی که می توانند نقش لوکوموتیو اقتصادی را ایفا نموده و دیگر صنایع و تولیدات کشور را به حرکت درآورند، در توانمند کردن تولید داخلی حائز اهمیت است.

ی. زنجیره تامین: زنجیره تامین از تهیه مواد اولیه گرفته تا فروش، فرآیندی است که در ایجاد تسهیل برای تولیدات داخلی موثر است و نقش اثرگذاری دارد. در مواد ۵ و ۲۳ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. طراحی زنجیره تولید تا مصرف به منظور سهم بری عادلانه عوامل زنجیره متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش و همچنین ایجاد شفافیت در نظام توزیع و قیمت گذاری محصولات و نظارت هدفمند بر بازار، موضوع این بخش است.

ز. بهره وری و کیفیت: افزایش بهره وری در فرآیند تولید و همچنین افزایش کیفیت محصولات تولیدی، در افزایش پایداری و رقابت پذیری اقتصاد نقش حائز اهمیتی دارد. در مواد ۳ و ۸ و ۲۴ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، ارتقای کیفیت تولید و افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی، در این حوزه مدنظر است.

ح. آمایش سرزمین: طراحی نقشه تولیدی کشور مبتنی بر شرایط مناطق مختلف، منجر به صرفه جویی در منابع و افزایش بازدهی تولید می شود. این مهم در ماده ۳ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. شناسایی مزیت های اقتصادی مناطق مختلف کشور و به کارگیری و استفاده از آنها، در این حوزه مدنظر است.

ط. مدیریت مصرف: استفاده مردم از تولیدات داخلی به جای تولیدات خارجی، حمایتی بی بدیل از تولید است؛ با این حال مصرف بی رویه و خارج از الگوی صحیح مواد اولیه، واسطه ای و مصرفی، منابع و تولیدات داخلی را با مشکل مواجه می کند. ماده ۸ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم پرداخته است. مدیریت مصرف با اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف تولیدات داخلی، موضوع این بخش است.

ی. فرهنگ سازی: فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه بایستی محترم شمرده شده و ارج نهاده شود تا تولیدکنندگان داخلی، انگیزه بیشتری داشته باشند و مردم نیز به سمت ایجاد مشاغل تولیدی حرکت کنند. ماده ۲۰ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره دارد. گسترش فرهنگ تولید ثروت، بهره وری، کارآفرینی و اشتغال مولد، در این حوزه مدنظر است.

۴. نفت و انرژی

یکی از ظرفیت های خدادادی اقتصاد کشور، منابع طبیعی و توان تولید انرژی های مختلف از جمله نفت، گاز و برق است. استفاده صحیح از این ظرفیت که کشورهای زیادی از آن بی بهره اند، منجر به رشد و شکوفایی قابل توجه اقتصاد می شود؛ در مقابل استفاده نادرست از آن، اقتصاد کشور را در حالت ناپایدار قرار می دهد و منجر به شرایطی مشابه رکود تورمی در دوره های مختلف می شود.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۵ مورد مرتبط با حوزه نفت و انرژی را استخراج نمود. این موارد در ادامه توضیح داده شده است:

الف. نفت و گاز: نفت و گاز از منابع طبیعی اصلی کشور است که بایستی به درستی استخراج شده و از درآمدهای آن در جهت افزایش قدرت اقتصادی و ثروت آفرینی استفاده شود. در ماده ۱۳ و ۱۴ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز و توسعه ظرفیت های تولید به ویژه در میادین مشترک و همچنین حراست از پایداری درآمدهای نفتی و گازی با انتخاب مشتریان راهبردی، ایجاد تنوع در روش های فروش و مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش، در این حوزه مدنظر است.

ب. پتروشیمی و فرآورده های نفتی: ایجاد ارزش افزوده از طریق منابع طبیعی کشور، درآمدزایی از این نعمت های خدادادی را افزایش داده و منجر به افزایش اشتغال و رشد اقتصادی می شود. در ماده ۱۳ و ۱۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. افزایش تولید و صادرات پتروشیمی و فرآورده های نفتی به منظور افزایش ارزش افزوده حاصل از نفت و گاز و همچنین تکمیل زنجیره ارزش آن، در این حوزه مدنظر است.

ج. برق و نیروگاه: استفاده از ظرفیت نیروگاهی کشور در تولید برق و صادرات آن، در حوزه انرژی کشور حائز اهمیت است. این مهم در ماده ۱۳ و ۱۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

و اقدام ۶ اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. افزایش صادرات برق و استفاده از

ظرفیت های داخلی به ویژه در حوزه نیروگاه سازی، موضوع این بخش است.

د. هدفمندی یارانه ها: طرح بزرگ هدفمندی یارانه با هدف کاهش مصرف انرژی کشور و

واقعی سازی قیمت آن و همچنین توزیع عادلانه این ثروت اجرا شد. با این حال ادامه این

طرح در رسیدن کامل به اهداف خود نیازمند اصلاح آن است. این مهم در ماده ۴ سیاست

های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. استفاده از ظرفیت اجرای طرح

هدفمندی سازی یارانه ها و تکمیل و بهبود آن در جهت افزایش تولید، اشتغال، بهره وری،

کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص های اجتماعی، موضوع این بخش است.

ه. بهره وری انرژی: بهره ور کردن تولید و مصرف انرژی در همه حوزه ها، ظرفیت صرفه

جویی بسیار بالایی را در کشور ایجاد می نماید. این مهم در ماده ۱۵ سیاست های کلی

اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه بر

اساس شاخص شدت مصرف انرژی و ارتقای بهره وری انرژی در همه حوزه ها، موضوع

این بخش است.

۵. تجارت خارجی

تجارت خارجی به عنوان مهم ترین بستر تعامل اقتصادی کشور با دیگر کشورها، نیازمند طراحی هوشمندانه

است؛ در واقع طراحی رژیم تجاری کشور بر اساس الگوی اقتصاد مقاومتی به این معنا که تعاملات تجاری

با چه کشورهایی، در چه محصولاتی، در چه سطحی و با چه سیاست هایی باید انجام شود، بسیار مهم و

موثر است و منجر به افزایش قدرت اقتصادی کشور و پایداری اقتصادی می گردد.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، ۷ مورد مرتبط با تجارت خارجی مورد توجه قرار گرفته است. این موارد در

ادامه توضیح داده شده است:

الف. رژیم تجاری: طراحی رژیم تجاری کشور به صورت هوشمندانه، تعاملات اقتصادی کشور با دیگر کشورها را مدیریت می کند. در مواد ۶ و ۱۲ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. طراحی رژیم تجاری کشور با ایجاد تنوع در مبادی تامین کالاهای وارداتی و صدور کالاهای صادراتی به منظور کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص و توسعه پیوندهای راهبردی با کشورها به ویژه کشورهای منطقه، موضوع این بخش است.

ب. صادرات و سیاست های حمایتی: صادرات موتور محرک تولید داخلی است که باید مورد حمایت قرار گیرد؛ اما این حمایت بایستی هوشمندانه و توانبخش باشد. در ماده ۱۰ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. حمایت هدفمند از صادرات به تناسب ارزش افزوده و خالص ارزش آوری مثبت با تسهیل مقررات و ثبات رویه در قانونگذاری، سیاست های تشویقی، گسترش خدمات تجاری و تامین زیرساختهای مورد نیاز و همچنین شکل دهی بازارهای جدید صادراتی به ویژه در منطقه، موضوع این بخش است.

ج. قراردادهای خارجی: مدیریت قراردادهای تجاری و اقتصادی کشور با دیگر کشورها به گونه ای که منجر به افزایش قدرت اقتصادی و ارزش افزوده برای ظرفیت های داخلی گردد، جهت کاهش وابستگی اقتصادی و افزایش توانمندی های داخلی ضروری است. در ماده ۱۰ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. برنامه ریزی برای سرمایه گذاری خارجی با هدف صادرات و استفاده از فرصت خریدها و معاملات خارجی برای حمایت از تولید داخلی و با شرط انتقال فناوری ضمن آن، موضوع این بخش است.

د. مناطق آزاد و ویژه: مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، یکی از ظرفیت های گسترش تجارت خارجی در کشور است که بایستی به بهترین شکل در جهت افزایش قدرت اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. در ماده ۱۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره

شده است. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با هدف انتقال فناوری های پیشرفته و گسترش و تسهیل تولید و صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج کشور، موضوع این بخش است.

ه. ارز خارجی: مدیریت عرضه و تقاضای ارز خارجی و کاهش وابستگی به ارزهای خاص از جمله دلار و یورو، اقدام مهمی در جهت کاهش وابستگی تجاری و اقتصادی است. در ماده ۱۰ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، به این مهم اشاره شده است. استفاده از سازوکارهایی از جمله مبادلات تهاتری برای کاهش نیاز به ارز در تجارت و ایجاد شفافیت در حوزه ارزی کشور، موضوع این بخش است.

و. شفافیت تجاری: ایجاد شفافیت در فرآیندهای تجاری کشور، علاوه بر جلوگیری از فساد منجر به برنامه ریزی صحیح و گسترش رقابت پذیری و تسریع در امور تجاری می گردد. در ماده ۱۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. افزایش شفافیت در حوزه تجاری کشور و استفاده از ظرفیت های گمرک و دیگر نهادهای مرتبط در این زمینه، موضوع این بخش است.

ز. قاچاق کالا: جلوگیری از قاچاق کالا به منظور حمایت از تولیدات داخلی و همچنین جلوگیری از فساد تجاری، حائز اهمیت است. طراحی سازوکارها و انجام اقداماتی برای مبارزه جدی با قاچاق، موضوع این بخش است.

۶. امنیت اقتصادی

یکی از مهم ترین نتایج اجرای اقتصاد مقاومتی، ایجاد امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی به این معناست که خانوارها و بنگاه های اقتصادی، در تامین کالاها و خدمات اساسی و مورد نیاز خود با مشکل مواجه

نشوند، انجام فعالیت های اقتصادی با مخاطرات غیر قابل پیش بینی روبرو نباشد و فضای اقتصاد از نوسان بیش از حد دور باشد.

بر اساس مطالعات علمی، امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال، حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می گیرد.

امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت پردازند. به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه ها به عنوان مهم ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان، به بهینه سازی رفتار خود پردازد.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۵ مورد مرتبط با امنیت اقتصادی استخراج نمود که اجرای آنها، به تحقق اقتصاد مقاومتی و در نتیجه امنیت اقتصادی منجر خواهد شد. این پنج مورد در ادامه توضیح داده خواهد شد:

الف. نیازهای اساسی: این مورد از امنیت اقتصادی در ماده ۶ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی بویژه در اقلام وارداتی و همچنین ایجاد تنوع در مبادی وارداتی این قبیل محصولات (در صورت عدم وجود توان تولید) به منظور کاهش مخاطرات ناشی از عدم تامین آن در شرایط مختلف، کاهش وابستگی به کشورهای خاص در تامین این نیازها و در نتیجه افزایش امنیت اقتصادی، در این حوزه مدنظر است. از جمله مصادیق این مورد می توان به نیازهای اصلی و اساسی خانوار مانند غذا و مسکن اشاره کرد.

ب. اقلام راهبردی: این مورد از امنیت اقتصادی نیز در ماده ۶ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی آن (در صورت عدم وجود توان تولید) به منظور کاهش مخاطرات ناشی از عدم تأمین آن در شرایط مختلف، کاهش وابستگی به کشورهای خاص در تأمین این نیازها و در نتیجه افزایش امنیت اقتصادی، در این حوزه مدنظر است. از جمله مصادیق این مورد می توان به مواد اولیه مورد نیاز و فناوری های کلیدی صنایع اشاره کرد.

ج. امنیت غذایی: این مورد از امنیت اقتصادی در ماده ۷ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. تأمین امنیت غذایی کشور از طریق ایجاد ذخایر راهبردی، افزایش کمی و کیفی تولید و فراهم کردن زیرساخت های مورد نیاز آن، در این حوزه مدنظر است.

د. امنیت درمانی: این مورد از امنیت اقتصادی نیز در ماده ۷ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. تأمین امنیت درمانی کشور از طریق ایجاد ذخایر راهبردی، افزایش کمی و کیفی تولید و فراهم کردن زیرساخت های مورد نیاز آن، در این حوزه مدنظر است.

ه. مفاسد اقتصادی: طراحی سازوکارها و انجام اقداماتی برای مبارزه جدی با فسادهای پولی و مالی و زد و بست های اقتصادی و ویژه خواری به منظور ایجاد امنیت عمومی در فضای اقتصادی کشور و بازار و کسب و کار، در این حوزه مدنظر است.

۷. مدیریت اقتصادی

در ادبیات مدیریت، تعاریف متعددی برای مفهوم مدیریت اقتصادی ارائه شده است. با این حال به طور ساده می توان گفت که مدیریت، تخصیص منابع یک سازمان اعم از سرمایه انسانی، مالی، تجهیزات و ... به

کارهای متفاوت جهت رسیدن به اهداف است. برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل، از وظایف اصلی مدیریت است که در ادبیات علمی این حوزه بیان می شود و عمده صاحب نظران این حوزه در آن اتفاق نظر دارند.

با این تعاریف، اقتصاد نیز از بعد کلان نیازمند مدیریت است؛ به این معنا که منابع اقتصادی اعم از پولی و غیرپولی و به ویژه سرمایه های انسانی، به مهمترین کارها تخصیص یافته تا اهداف نظام مدنظر برآورده شود. در واقع برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل اقتصاد، وظایفی هستند که در مدیریت اقتصادی مطرح بوده و بایستی به آن پرداخته شود.

این که اطلاعات به چه شکل تامین شود، سازماندهی فعالان اقتصادی کلان و خرد چگونه انجام شود، ارتباطات با داخل و خارج نظام اقتصادی چگونه باشد و خروجی های این نظام با چه شاخصی سنجیده شود، از مسائلی است که در این حوزه مدنظر است.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۴ مورد مرتبط با مدیریت اقتصادی استخراج نمود که اجرای آنها، به ایجاد نظام مدیریت اقتصادی مدنظر در اقتصاد مقاومتی منجر خواهد شد. این چهار مورد در ادامه توضیح داده خواهد شد:

الف. شفافیت اطلاعات: دسترسی به اطلاعات شفاف جهت برنامه ریزی در اقتصاد و مدیریت آن، هم نیاز دولت است و هم نیاز بنگاه ها. لذا ضروری است در بخش های مختلف اقتصاد، اطلاعات به صورت شفاف تولید شده و در اختیار عموم قرار گیرد. این اقدام موجب جلوگیری از فسادهای ناشی از عدم شفافیت اطلاعات نیز خواهد شد. در مواد ۱۹ و ۲۳ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. راه اندازی سازوکارهای شفافیت زا و سامانه های اطلاعاتی در حوزه های مختلف که زمینه برنامه ریزی و کاهش فساد در اقتصاد را فراهم می آورد، در این حوزه مدنظر است.

ب. مدیریت یکپارچه: جلوگیری از تعدد نهادهی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و ایجاد یک فرماندهی اقتصادی واحد جهت یکپارچه‌سازی تصمیمات و رویکرد اقتصادی کشور، از موارد مهم در مدیریت اقتصادی است که در ماده ۲۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. مدیریت یکپارچه اقتصادی به منظور رصد وضعیت کشور، برنامه‌ریزی برای واکنش نسبت به مخاطرات احتمالی داخلی و خارجی و تصمیم‌گیری در خصوص آنها، در این حوزه مدنظر است.

ج. سازمان‌های بین‌المللی: نحوه تعامل با سازمان‌های خارجی در حوزه اقتصاد و طراحی نوع تعاملات و ارسال و دریافت اطلاعات و دیگر منابع از آنها، موضوعی حائز اهمیت در مدیریت اقتصادی است که عدم توجه به آن، موجب می‌شود تا کشور در معرض مخاطرات مختلف قرار گیرد. در ماده ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور کاهش آسیب‌پذیری و افزایش قدرت اقتصادی، در این حوزه تاکید شده است.

د. شاخص‌های اقتصادی: به منظور کنترل و ارزیابی حرکت اقتصادی کشور، ضروری است شاخص‌هایی متناسب با اهداف ملی تدوین گردد. این مهم در اصل ۵ اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. بررسی وضعیت اقتصادی کشور و میزان تحقق اقتصاد مقاومتی با استفاده از شاخص‌های مختلف اقتصادی مانند شاخص عدالت که مبتنی بر چشم‌اندازهای کشور است، علاوه بر رصد شاخص‌های متعارف مثل رشد اقتصادی، در این حوزه مدنظر است.

۸. گفتمان‌سازی

رویکرد و الگوی اقتصادی کشور، بایستی در همه سطوح ترویج و گفتمان سازی شود تا اقشار مختلف ضمن شناخت آن، خود را در حد توان و جایگاه با آن تطبیق دهند و در این حوزه اثرگذاری داشته باشند. بنابراین گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی اقتصادی کشور، در این همراهی عمومی حائز اهمیت است.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان ۳ مورد مرتبط با گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی را استخراج نمود. این سه مورد عبارتند از:

الف. گفتمان علمی: وارد کردن الگوی اقتصاد مقاومتی به مطالعات و پژوهش های علمی و دانشگاهی، در تدقیق و توسعه این الگو موثر است. این مهم در ماده ۲۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در محیط های علمی از طریق همایش ها و مقالات و پژوهش های علمی و ... به منظور تبدیل به گفتمان فراگیر و رایج ملی، موضوع این بخش است.

ب. گفتمان آموزشی: وارد کردن الگوی اقتصاد مقاومتی به مفاد دوره های مختلف آموزشی در کشور جهت افزایش آگاهی عمومی از این الگو و همراهی با آن توسط عموم جامعه حائز اهمیت است. در ماده ۲۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در محیط های آموزشی از طریق برگزاری برنامه های آموزشی و اصلاح مفاد درسی آموزش پایه و عالی و ... به منظور تبدیل به گفتمان فراگیر و رایج ملی، موضوع این بخش است.

ج. گفتمان رسانه ای: وارد کردن الگوی اقتصاد مقاومتی به زمینه های فعالیت رسانه ای در کشور جهت پیگیری مستمر اجرای این الگو و ارزیابی آن، در رسیدن این الگو به اهدافش حائز اهمیت است. در ماده ۲۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به این مهم اشاره شده است. تبیین

ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در محیط های رسانه ای از طریق انتشار مباحث

مرتبط با اقتصاد مقاومتی در رسانه ها و جریان سازی رسانه ای و ... به منظور تبدیل به گفتمان

فراگیر و رایج ملی، موضوع این بخش است.

۷. اصول و مبانی اقتصاد مقاومتی

طبق بیانات مقام معظم رهبری، اصول اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱- درون‌زا است: یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است.

۲- برون‌گرا است: یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود.

۳- مردم‌بنیاد است: یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. دولتی نیست: به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل می‌کند.

۴- دانش‌بنیان است: یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده می‌کند، به پیشرفتهای علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سالهای متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده‌ی اینها است.

۵- عدالت‌محور است: یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از

گرسنگی می میرند! بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص های علمی موجود دنیا هم بی اعتنایی بشود؛ نه، به آن شاخصها هم توجه می شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

۸. اقدامات علمی در اقتصاد مقاومتی

اقدامات عملی اقتصاد مقاومتی که رهبر انقلاب پیشنهاد داده اند، عبارت است از:

۱- شناسایی فعالیت ها و زنجیره های اقتصادی مزیت دار کشور و تمرکز بر آن ها: بعضی از فعالیت های

اقتصادی در کشور اولویت دارد، اهمیت دارد، مثل مادر می ماند و از آن، بابهای متعدد اقتصادی و تولیدی

گشوده می شود؛ روی آن ها بایست تمرکز کنند؛ آنها را باید شناسایی کنند و نقشه ی راه را مشخص کنند

و تکلیف همه را معلوم بکنند.

۲- احیا کردن تولید داخلی: امروز حدود شصت درصد از امکانات تولید ما معطل است، تعطیل است؛

بعضی ها به کمتر از ظرفیت کار می کنند، بعضی ها کار نمی کنند؛ بایستی ما تولید را زنده کنیم، تولید را

احیاء کنیم.

۳- خریدهای خارجی ما، قدرت تولید داخلی ما را تضعیف نکند: فرض بفرمایید ما می خواهیم مثلاً هواپیما

وارد بکنیم یا خریداری بکنیم؛ به ما گفته میشود -خود مسئولین دولتی میگویند- که اگر چنانچه فلان

درصد از این قیمت را ما در صنایع داخلی هواپیما سرمایه گذاری کنیم، بیشتر از آنکه از خارج بخریم

استفاده خواهیم کرد و تولید داخلی هم رشد پیدا میکند. اینکه ما همه چیز را از خارج وارد کنیم و نگاه

نکنیم که این خرید ما، این واردات ما چه بلایی سر تولید داخلی می آورد خطا است؛ پس بنابراین در

خریدها کاری کنیم که تولید داخلی تضعیف نشود.

۴- مدیریت منابع مالی که از بانک ها و مراکز خارجی به کشور وارد می شود: ما پولهایی داریم در خارج از کشور؛ [مثلاً] نفت فروخته‌ایم، پولش را به ما نداده‌اند. وقتی که این پولهای موجود ما در خارج که حالا هر چند ده میلیاردی که هست برگشت، در مصارفی به کار نرود که این پول هدر بشود. این پولی است که وارد کشور میشود، کشور نیاز دارد و در درجه‌ی اوّل مثلاً تولید است؛ مواظب باشند این پولی که وارد میشود، هدر نرود، از بین نرود، صرف خریدهای بی‌مورد، صرف کارهای بی‌جا، صرف اسرافها نشود.

۵- دانش بنیان شدن بخشهای مهم کشور: بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، برای هواپیما، برای قطار، برای کشتی مورد استفاده است، این بخشهای حسّاس و مهم، دانش بنیان بشود. اینکه ما می‌گوییم اقتصاد دانش بنیان [این است]. جوانهای ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که میتوانند نوآوری کنند، میتوانند ما را از آن سطحی که در فناوری داریم بالاتر ببرند. مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفتی بالا ببرد که فرض کنیم مصرفش کم بشود، یا موتور قطار را به فلان شکل به وجود بیاورد؛ میتوانند. همین الان در کشور ما بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی‌ای وجود دارند که کارهایی که آنها انجام میدهند و تولید میکنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آنها است؛ همین الان داریم؛ خب اینها را باید تقویت کرد.

۶- بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های گذشته: ما در گذشته روی بعضی از بخشها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؛ از آنها بهره‌برداری بشود و استفاده بشود. ما در زمینه‌ی نیروگاه‌سازی در کشور سرمایه‌گذاری خوبی کردیم؛ در زمینه‌ی پتروشیمی سرمایه‌گذاری خوبی کردیم. امروز کشور به نیروگاه احتیاج دارد، کشورهای دیگر هم به نیروگاه ارزانی که ما می‌سازیم احتیاج دارند. ما دیگر نیرویم از بیرون نیروگاه بخریم وارد کنیم، یا افرادی بیاوریم برای ما نیروگاه درست کنند. این قسمتهایی که سرمایه‌گذاری شده است، برایش تلاش شده است و زحمت کشیده شده است، احیاء بشود و از آنها استفاده بشود.

۷- انتقال فناوری در معاملات خارجی: در همه‌ی معاملات خارجی‌ای که ما انجام می‌دهیم، انتقال فناوری را

شرط کنیم. فرض کنید [اگر] یک وسیله‌ای را یا یک شیء تولیدی جدیدی را می‌خواهند بخرند، تولیدشده را نخرند، [بلکه] آن شیء را با فناوری مخصوص خودش تهیه کنند و بیاورند؛ فناوری را داخل کشور کنند.

۸- مبارزه با فساد و قاچاق: با فساد مبارزه‌ی جدی بشود، با ویژه‌خواری مبارزه‌ی جدی بشود، با قاچاق

مبارزه‌ی جدی بشود؛ اینها دارد به اقتصاد کشور لطمه می‌زند و ضررش را مردم می‌برند. اگر ما در مقابل آن

مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زدوبست‌هایی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی ویژه‌خواری میکنند، خودشان را

از امتیازات ویژه برخوردار میکنند و یا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادی میشوند، سهل‌انگاری کنیم، قطعاً

کشور ضرر خواهد کرد؛ نباید سهل‌انگاری بشود. قاچاق همین جور است؛ مانع قاچاق [بشوند]. باید با

قاچاق، به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند.

۹- بهره‌وری انرژی: گفته می‌شود اگر ما بتوانیم بهره‌وری انرژی را ارتقا بدهیم، بالا ببریم و صرفه‌جویی

کنیم، صد میلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد؛ مبلغ کمی نیست، مبلغ زیادی است؛ این را جدی بگیرند.

البته شنیدم این، مصوبه‌ی مجلس هم هست؛ ارتقای بهره‌برداری از انرژی، مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی

است.

۱۰- حمایت از صنایع کوچک و متوسط: الان چندین هزار کارگاه و کارخانه‌ی متوسط و کوچک در

کشور هست؛ آن چیزی که در متن جامعه اشتغال ایجاد میکند، تحرک ایجاد میکند و طبقات پایین را

بهره‌مند میکند، همین صنایع کوچک و متوسط است؛ اینها را تقویت کنند و پیش ببرند.

۹. تجربه کشورهای مختلف در زمینه اقتصاد مقاومتی

طبق تعریف، اقتصاد مقاومتی یک نظریه جهانی است. اقتصادی مقاومتی دانسته می‌شود که با وجود همه موانع،

مشکلات، تهدیدات و دشمنی‌ها به اهدافش برسد. بدین ترتیب با وجود تنوع در اهداف اقتصادی، همه ملت‌های

مستقل و همه مدیران مدبر آنها به دنبال مقاوم سازی اقتصاد خود در مقابل موانع و مشکلات سخت (مانند جنگ، کمبود منابع، بلایای طبیعی و...) و موانع و مشکلات نرم (تحریم، بحران های اقتصادی جهانی و...) خواهند بود. از این مقدمه ۲ محور نتیجه می شود: محور اول آنکه در جمهوری اسلامی ایران نیز لازم است ساختار و سازوکارهای اقتصادی به نحوی اصلاح و تنظیم شود که با وجود همه مشکلات داخلی و خارجی از جمله شوک های نفتی، تحریم، بحران های اقتصادی خارجی، بلایای طبیعی و... اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی که عبارتند از «رفاه عمومی»، «پیشرفت اقتصادی» و «استقلال اقتصادی» محقق شود.

این امر مستلزم اصلاحاتی در سطوح سخت افزاری و نرم افزاری خواهد بود که برخی از آنها عبارتند از اصلاح نظام بانکی، سازوکارهای اجرایی، فرهنگ اقتصادی، دانش و فناوری، مبارزه با مفاسد اقتصادی، امنیت غذایی و ارتقای کیفیت تولید. بدین ترتیب ضمن افزایش کم و کیف تولید ملی، کشور در مقابل تکان های مختلف در سطوح محلی، ملی و بین المللی مصون خواهد شد. محور دوم ضرورت توجه به تجربیات کشورهای دیگر در مقاوم سازی اقتصاد خود است.

به طور کلی در اندیشه اسلامی بهره برداری از تجربیات بشری امری مطلوب دانسته می شود. بررسی و دقت در تجربیات اقتصادی کشورهای دیگر نیز می تواند درس ها و عبرت هایی را به همراه داشته باشد. منظور از درس ها، اقدامات مثبتی است که ملت های دیگر برای تقویت اقتصاد خود انجام داده اند و البته اشتباهاتی که موجب تضییع منابع و کاهش توانمندی های اقتصادی آنها شده است نیز می تواند آینه عبرت قرار گیرد. این نوع مطالعه می تواند باعث تسریع در حرکت و جلوگیری از تکرار رفتارهای پرهزینه و کم منفعت شود. بررسی عملکرد کشورهایی که هم اکنون در بالاترین رده های اقتصادی جهان قرار گرفته اند (ژاپن، چین، آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، هند، کره جنوبی، استرالیا و روسیه) نشان می دهد عنصر اصلی پیشرفت اقتصادی کشورهای پیشرفته جهان آن چیزی است که در ادبیات انقلاب اسلامی «اقتصاد مقاومتی» نامیده می شود.

البته در این زمینه لازم است توجه شود که همه ابعاد عملکرد اقتصادی این کشورها در چارچوب ادبیات اقتصاد مقاومتی قرار نمی‌گیرد و اتفاقاً آنچه خارج از اندیشه مبنایی اقتصاد مقاومتی در کشورهای مذکور صورت گرفته، به نسبت شدت و ضعفش اثراتی منفی در مسیر پیشرفت اقتصادی آنها داشته است (تبیین این موضوع خود می‌تواند در قالب مطالعه دیگری صورت گیرد). نکته دیگر، محور اصلی بررسی در کشورهای مورد مطالعه است. مولف محترم یکی از مهم‌ترین حوزه‌های عملکرد اقتصادی کشورهای مورد نظر را مورد توجه قرار داده‌اند که عبارت است از «تقویت تولید ملی». این محور به قدری اهمیت دارد که در ادبیات نظری، به عنوان یکی از ۲ رکن اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود.

۹-۱. اقتصاد مقاومتی در آمریکا

آمریکا با بیش از ۱۷ هزار میلیارد دلار تولید در رتبه اول اقتصادهای جهان قرار دارد. این مساله بدین جهت بوده است که سیاست‌های اقتصادی آمریکا و حتی الگوی دیپلماسی خارجی آن در راستای تقویت تولید ملی این کشور تنظیم شده است. این کشور طی یک قرن اخیر، برنامه‌های مهمی برای تقویت تولید ملی خود طراحی و اجرا کرده است که نتیجه آن تبدیل شدن این کشور به یکی از تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی جهان است؛ به نحوی که این کشور در تولید بسیاری از غلات، محصولات باغی و تره‌بار جزو ۳ کشور برتر جهان شناخته شده و در رده‌های بالای صادرات محصولات کشاورزی قرار دارد.

سیاست‌های دولت آمریکا در زمینه تولیدات صنعتی نیز سبب تبدیل شدن این کشور به یکی از قدرت‌های بزرگ صنعتی جهان شده است تا جایی که عمده صادرات این کشور عبارت است از: انواع ترانزیستورها، هواپیما، قسمت‌های موتور وسایل نقلیه، کامپیوتر و تجهیزات ارتباطی که حدود ۵۰ درصد از صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. بخش خدمات آمریکا نیز با سرعت بالایی رشد یافته است، تا آنجا که هم‌اکنون حدود ۷۵ درصد از اقتصاد آمریکا را به خود اختصاص داده است.

اما رشد قوی و پایدار تولید در آمریکا به دلیل سیاست‌های اقتصادی و تجاری همراه با تولید بوده است. به عنوان مثال یکی از علل تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی در آمریکا، سیاست‌های پولی، مالی و بانکی این کشور است. در واقع سیاست‌های کلان اقتصادی این کشور به نحوی تنظیم می‌شود که بیشترین اثر مثبت را بر تولید داشته باشد. این سیاست‌ها سبب شده در شرایط رکود، منابع نقدینگی اضافی ایجاد شده توسط بانک مرکزی این کشور به سمت تولید حرکت کند.

بانک مرکزی این کشور به منظور تحقق این اقدام، در سال‌های پس از ۲۰۱۰ به طور دائم ضریب فزاینده پولی نظام پولی این کشور را در کمتر از عدد ۳ حفظ کرده است (این عدد در ایران هم اکنون حدود ۶ است). بالا بودن ضریب فزاینده پولی به معنای قدرت بالای شبکه بانکی برای خلق پول است که نتیجه آن کاهش قدرت مدیریت عالی بانکی آن کشور (بانک مرکزی) برای جهت‌دهی منابع نقدینگی به سمت بخش‌های خاص از جمله تولید خواهد بود. در واقع مدیریت عالی پولی آمریکا با پایین نگه داشتن قدرت خلق پول بانک‌ها، شرایط لازم را برای جهت‌دهی نقدینگی اضافه ایجاد شده به سمت تولید و سرمایه‌گذاری فراهم کرده است (در بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - ابلاغیه مقام معظم رهبری در بهمن ماه ۹۲ - نیز بر اصلاح نظام مالی کشور به نحوی که باعث جهت‌دهی منابع نقدینگی به سمت تولید شود، تاکید شده است).

۹-۲. اقتصاد مقاومتی و ژاپن

کشور ژاپن با داشتن تولید ناخالص داخلی به میزان ۴/۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۵ دومین قدرت اقتصادی دنیا پس از آمریکا بوده و در آسیا نیز رتبه اول را از این لحاظ دارد. این کشور در سال ۲۰۱۴ با نزدیک به ۵ تریلیون دلار در جایگاه سوم جهان پس از چین و آمریکا قرار گرفته است. ژاپن در شرایطی جایگاه خود را به عنوان

یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تثبیت کرده است که به لحاظ منابع طبیعی و نیز سرگذشت سیاسی شرایط بسیار نامطلوبی دارد. به لحاظ طبیعی این کشور منابع بسیار محدودی دارد و اکثر جزایر و خاک آن کوهستانی و آتشفشانی است. به لحاظ سیاسی نیز شکست در جنگ دوم جهانی وضعیت اسفباری را برای این کشور رقم زد. پس از شکست در این جنگ، ژاپن با داشتن ۱۳ میلیون بیکار، شرایط بسیار سخت اقتصادی را تجربه کرد. کمبود مواد غذایی، تورم بسیار شدید تا حدی که حقوق افراد کفاف سیر کردن شکم‌شان را نمی‌داد و شکل‌گیری بازار سیاه تنها بخشی از مشکلات این کشور بود. این مسائل به علاوه ضرورت بازسازی کشور ناشی از خرابی‌های جنگ که منجر به ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱/۵ درصد از ثروت ملی این کشور شده بود و نیز مسئولیت پرداخت غرامت به متفقین باعث بروز فشار بیشتری بر مردم و دولت ژاپن شده بود اما مردم و دولت ژاپن با رویکردی منطقی که لااقل در بخش تقویت تولید ملی شباهت زیادی به برنامه‌های اقتصاد مقاومتی دارد و با همکاری یکدیگر، ژاپن فقیر و ویران را به یکی از قدرت‌های اقتصادی و تولیدی جهان تبدیل کردند. با همکاری دولت، مردم و صنعت و نیز با توسعه فناوری‌های پیشرفته، ژاپن به یکی از پیشگامان عمده در صنعت و فناوری دنیا تبدیل شد.

یکی از عوامل پیشرفت شگفت‌انگیز تولید ملی اقتصاد ژاپن فرهنگ بالای تولید در مردم این کشور است. در این دهه‌ها مردم ژاپن نه تنها برای سود تولید می‌کردند، بلکه تولید و کار را امری مقدس و ارزشمند می‌دانستند. ژاپنی‌ها همچنین برای ارتقای بهره‌وری و کارآیی خود تلاش می‌کردند. آنها با کنجکاوی به پیگیری مهارت‌ها و روش‌های مناسب‌تر برای کار و تولید می‌پرداختند. در واقع انگیزه نیروی کار ژاپنی برای بهبود کارآیی خود، فراتر از آنکه تحت تاثیر نظام انگیزشی اقتصادی باشد به صورت درونزا و با انگیزه‌های شخصی صورت می‌گرفت. ارزش قائل شدن برای کار و تولید، تلاش مضاعف و نیز تلاش برای ارتقای دانش و مهارت ۳ ویژگی مهم نیروی کار ژاپنی است. در کنار فرهنگ تولیدی بالا، الگو و فرهنگ مصرف صحیح نیز از کلیدهای

پیشرفت اقتصادی ژاپن طی دهه‌های پس از جنگ دوم جهانی بوده است. ۲ ویژگی مهم مردم ژاپن در حوزه مصرف عبارت بود از: قناعت و اعتدال در مصرف و تاکید بر مصرف کالاهای وطنی.

همچنین تاکید مردم ژاپن بر مصرف کالاهای ساخت داخل طی دهه‌های اولیه پس از جنگ با هدف تقویت صنایع داخلی موضوعی مهم در پیشرفت اقتصادی این کشور محسوب می‌شود. این زمینه فرهنگی باعث شد دولت سیاست کاهش واردات از کشورهای دیگر را به منظور تقویت صنایع داخلی در ژاپن با موفقیت اجرا کند، سیاستی که گاهی چنان افراطی محسوب می‌شد که با عنوان سیاست انزوای طلبی از آن یاد شده است. تامین بازار داخل برای تولیدات و محصولات ژاپنی نقطه اتکایی مهم برای تقویت تولید ملی در ژاپن محسوب می‌شود.

اما بهترین مکمل برای فرهنگ اقتصادی قوی مردم ژاپن سیاست‌های دولتی این کشور طی دهه‌های پیشرفت بوده، سیاست‌هایی که منجر به ارتقای دانش و فناوری و در نهایت رشد بالای تولید ملی در این کشور می‌شده است. در دهه‌های پیشرفت ژاپن، رشد تولید ملی این کشور تا حد زیادی مرهون تقویت و توسعه صادرات آن بوده است. دولت ژاپن با سیاست‌های مناسب علاوه بر تشویق صادرات، واردات کالا را محدود می‌کرد تا زمینه برای تقویت تولیدکنندگان ژاپنی فراهم شود. این دولت برای افزایش مزیت‌های صادراتی خود حتی بارها اقدام به کاهش ارزش پول ملی خود (ین در مقابل دلار آمریکا) کرد تا کالای ژاپنی برای خریداران خارجی ارزان‌تر تمام شود و صادرات ژاپن افزایش یابد.

در مقابل توسعه صادرات، دولتمردان ژاپنی بخوبی واقف بودند که نیازمند فناوری‌های موجود در سایر کشورهای پیشرفته هستند. از سوی دیگر به هیچ عنوان قصد نداشتند با آزادسازی واردات بازار مصرف تولیدات داخلی خود را دچار خطر کنند. به همین جهت بر واردات کالاهایی تمرکز کردند که همزمان با ورود آنها

انتقال فناوری نیز ممکن می‌شد. این کشور طی دهه‌های شکوفایی خود هرگز در صناعی که قدرت رقابت جهانی نداشتند، اجازه واردات آزاد را نداد و دائما تا تحقق قدرت رقابتی بالا از صنایع خود حمایت کرد.

الگوی صادرات ژاپن مبتنی بر صادرات کالاهای ساخته شده و با ارزش افزوده بالاست و نه بر صادرات مواد اولیه. درآمد بالای ناشی از این الگو، دوباره برای رشد و توسعه کشور هزینه می‌شود. الگوی واردات مبتنی بر واردات مواد خام و مواد اولیه مورد نیاز صنایع این کشور است. اولویت در ذهن مدیران «تولید» است نه سود کوتاه‌مدت، بنابراین الگوی اقتصادی حاصل، مبتنی بر ۴ گزاره است: واردات مواد خام از خارج برای تولید در وطن به منظور مصرف کالای ساخت وطن و صادرات کالای ساخت ژاپن برای اعتلای نام ژاپن در دنیا.

در سال‌های اولیه پس از استقلال ژاپن، کالاهای ژاپنی به کیفیت پایین اما قیمت ارزان مشهور بودند اما ژاپنی‌ها نمی‌توانستند این نگاه را به محصولات خود تحمل کنند. از طرف دیگر افزایش رشد تولیدات، رقابت را در صحنه جهانی شدت بخشیده بود، لذا تمام هم و غم ژاپنی‌ها بر کاهش ضایعات تولید در حد صفر قرار گرفت و نظام درست سر وقت و نظام کنترل کلی کیفیت برپا شد. فقط کالاهایی که مطابق استانداردها بودند اجازه صدور می‌یافتند و از این زمان، ارزش‌گذاری توانایی شرکت‌ها، بر اساس «تحقق بهترین کیفیت» انجام می‌شد.

ژاپن پس از استقلال توانست به سرعت خود را به یک ابرقدرت اقتصادی بدل کند. سال ۱۹۸۰ بیش از ۸۰ درصد از رشد ژاپن ناشی از رشد صادرات بود که قسمت اعظمی از آن به آمریکا صورت می‌گرفت. در داخل خاک آمریکا، شرکت‌های ژاپنی به سرعت از رقیبان آمریکایی خود پیشی گرفته بودند. بالاخره گسترش مازاد تجاری ژاپن در مقابل آمریکا، به ایجاد منازعات و فشارهایی از طرف آمریکا برای محدودیت صادرات منجر شد. فشارهای آمریکا دولت ژاپن را واداشت مردم را به طرف کالای آمریکایی تشویق کند و ارزش دلار را برابرین کاهش دهد تا کالاهای آمریکایی ارزان‌تر تمام شود اما ژاپنی‌ها با زیرکی تمام از ارزان شدن کالاهای آمریکایی استفاده کرده و برخی مستغلات استراتژیک آمریکا را خریداری کردند! در کنار سیاست تجاری

همسو با تقویت تولید ملی، سیاست مالی و بانکی این کشور نیز موجب فراهم شدن منابع مالی و سرمایه‌ای کافی برای تولیدکنندگان ژاپنی شد. شبکه بانکی ژاپن همگام با روحیه و فرهنگ اعتدال در مصرف و پس‌انداز مردم ژاپن، با جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و تخصیص تسهیلات به تولیدکنندگان، موتور محرک صنعت و فناوری این کشور محسوب می‌شد.

۹-۳. اقتصاد مقاومتی در آلمان

کشور آلمان با حدود ۳۹۰۰ میلیارد دلار تولید ملی، در جایگاه چهارم اقتصاد جهان قرار دارد. این کشور بزرگ‌ترین و قدرتمندترین اقتصاد در اروپا و منطقه یورو محسوب می‌شود و توانسته در پیشرفت اقتصادی گوی سبقت را از رقبای خود در اروپا برآید.

تقویت صادرات (به ویژه در حوزه‌های حساس و با ارزش افزوده بالا): نیمی از رشد اقتصاد آلمان در دهه‌های گذشته ناشی از صادرات است. مازاد تجارت خارجی، ۱۸۸ میلیارد یورو (۲۴۳ میلیارد دلار) یا ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی است. از دیدگاه سران آلمان، صادرات قوی و مازاد تجاری زیاد نمادهای قدرت اقتصادی هستند. به همین جهت سیاست‌های تشویقی جدی برای تقویت صادرات در این کشور طی ده‌ها سال پیگیری می‌شده است.

ارتقای دانش در کارگران: ارتقای بهره‌وری کارکنان و کارگران یکی از موضوعات مورد توجه دولت‌های آلمان بوده است. این مساله آن زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که در جریان بحران مالی ۲۰۰۸ غرب که آمریکا و اروپای غربی با مشکلات اقتصادی جدی روبه‌رو شدند، شرکت‌های آلمانی که به جهت کاهش تقاضا بیکار شده بودند، به جای اخراج کارکنان و کارگران خود، آنها را به دوره‌های آموزشی اعزام کردند و در واقع به جای کار و تولید، به ازای آموزش و ارتقای مهارت به کارکنان خود حقوق پرداخت می‌کردند. همین امر باعث

شد پس از عبور نسبی از بحران و آغاز تولید، کارکنان و کارگران با مهارت و بهره‌وری بالاتری مشغول به کار شوند.

مدیریت واردات: اگرچه اقتصاد آلمان در دوره شکوفایی نوین خود اقدام ویژه‌ای برای کنترل واردات صورت نداد و بخش مهمی از پایه‌های تولیدی آن در دهه‌های پیش‌تر اتفاق افتاد اما این کشور با یارانه‌های صادراتی و به طور همزمان تعرفه‌های وارداتی شرایط را برای تقویت تولید ملی و ارتقای صادرات خود و در مقابل کاهش واردات فراهم کرد.

کار و کارپرستی: مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهد فرهنگ کار در میان جامعه آلمان به یک ارزش تبدیل شده است. در نزد مردم آلمان کار عیار اخلاقی دارد، بدین معنا که به صورت احساس وظیفه شدید و محکمی درآمده است. در این فرهنگ کار یک وظیفه است و نه فقط یک اشتغال. کارگر آلمانی غرور و افتخار سنتی و شغلی خود را در کارکردن می‌یابد و آن را به منزله نوعی امتیاز تلقی می‌کند و همه چیز را از دیدگاه کار ارزیابی می‌کند.

مدیریت و روح ابتکار و اختراع: یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگی جامعه آلمان، حاکمیت روحیه ابتکار، خلاقیت و اختراع است. در واقع ذات و فرهنگ اقتصاد دانش‌بنیان در نخبگان این کشور ملکه شده؛ به نحوی که موتور اصلی پیشرفت اقتصادی این کشور را طی ده‌های اخیر تشکیل داده است. نتیجه این امر تقویت صادرات دانش‌بنیان آلمان بوده که به ارتقای قدرت اقتصادی آن کمک جدی کرده است.

پس‌انداز و سرمایه‌گذاری: مطالعات زیادی انجام شده که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی آلمان پس از جنگ داشته است. این منابع سرمایه‌ای از محل پس‌اندازهای مردم و سپس جهت‌دهی این منابع به سمت تولید شکل گرفته است. به طور کلی آلمانی به ذخیره کردن و صرفه‌جویی گرایش دارد. آلمانی از تاریخ گذشته خود آموخته است که قانع زندگی کند و تا آنجا که ممکن است ثروتمند

شود. با افزایش سطح درآمد عمومی، مردم آلمان آموختند چگونه زیاد پس انداز کنند و بر اثر افزایش آهنگ پس انداز، چگونه سرمایه گذاری های زیاد و پیشرفت های سریع اقتصادی کنند و افزایش ثروتمندی را تحقق بخشند.

الگوی صحیح مصرف: آلمان ها در مصرف نیز از الگویی به نسبت مناسب پیروی می کنند. علاوه بر کالاهای شخصی و صنعتی، در مصرف منابع عمومی نیز آلمان ها رویه مناسبی دارند. به عنوان مثال طی سال های اخیر الگوی مصرف آب آلمان ها تحت تاثیر فرهنگ عمومی تا حد زیادی بهبود یافته است. میزان سرانه مصرف آب در این کشور در سال ۱۹۹۰ در حدود ۱۴۵ لیتر بوده که طی سال های بعد به مرور بهبود یافته، سال ۱۹۹۵ به حدود ۱۳۲ لیتر، سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۲۹ لیتر و سال ۲۰۰۵ به حدود ۱۲۷ لیتر رسیده است.

فرهنگ حمایت از تولید ملی: اگرچه کشور آلمان هم اکنون سیاست های جدی برای کنترل واردات اتخاذ نمی کند اما به صورت دائم تراز تجاری آن مثبت است. این بدان معناست که مجموعه سیاست های اقتصادی این کشور و نیز فرهنگ اقتصادی توده مردم به نفع تولید و صادرات و علیه واردات عمل می کند. به عنوان مثال طی سال های بحران اقتصادی غرب (سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰) مشاهده می شود مردم آلمان از مصرف کالاهای خارجی که گاهی دارای اختلاف قیمت و کیفیت فاحش نیز هستند به قصد کمک به تولید کننده هموطن خود خودداری می کنند.

۹-۴. اقتصاد مقاومتی در چین

چین هم اکنون بر اساس معیاری اقتصاد اول جهان و مبتنی بر معیاری دیگر اقتصاد دوم جهان است. با معیار ارزش تولید ملی بر مبنای دلار آمریکا، چین در سال ۲۰۱۵ با حدود ۱۱ هزار میلیارد دلار در رتبه دوم جهان

بوده است اما بر مبنای برابری قدرت خرید این کشور با حدود ۱۹/۵ هزار میلیارد دلار تولید در صدر کشورهای جهان قرار گرفته است. این در حالی است که ارزش تولیدات این کشور در سال ۱۹۶۰ تنها ۱۰ درصد آمریکا بوده است. این کشور از اصلاحات اقتصادی ۱۹۷۹ به بعد نرخ رشدی حدود ۹ درصد را به طور متوسط تجربه کرده است. این نرخ گاهی به ۱۶ درصد در سال نیز رسیده است. پیش‌بینی می‌شود این کشور در سال ۲۰۵۰ با حدود ۶۰ هزار میلیارد دلار تولید داخلی، اقتصاد اول جهان با فاصله زیاد از اقتصادهای بعدی (یک و نیم برابر اقتصاد آمریکا) باشد.

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی بالای چین صادرات چشمگیر و رو به افزایش آن بوده است. این کشور هم‌اکنون با وجود رکود جهانی حدود ۱۴ درصد از کل صادرات جهان را به خود اختصاص داده است (حدود ۲/۳ هزار میلیارد دلار) و تراز تجاری آن طی دهه‌های اخیر جز سال‌های خاص مثبت بوده است.

با اصلاحات اقتصادی که اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در چین اتفاق افتاد، فرآیند توسعه اقتصادی چین مسیری جدید را تجربه کرد. در این مسیر، استفاده بهینه از ظرفیت‌های درونی مقدمه‌ای شد برای بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های بین‌المللی. بدین ترتیب نظامی اقتصادی شکل گرفت که بر اساس ویژگی‌های بومی کشور چین ایجاد شده و سابقه مشابهی در جهان برای آن وجود نداشت. این نظام متضمن برنامه‌ها و اقداماتی در سطح حاکمیتی و مردمی بود که در نهایت منجر به تقویت تولیدات چینی شد.

چینی‌ها بخوبی دریافته‌اند پیشرفت در جهان کنونی بدون تسلط بر علم و فناوری ممکن نیست. به همین جهت طی دهه‌های اخیر یکی از برنامه‌های مهم چین برای پیشرفت اقتصادی، تقویت و بومی‌سازی فناوری بوده است. از جمله اقدامات مهم حاکمیت چین برای توسعه و بومی‌سازی فناوری، ایجاد ده‌ها منطقه ویژه فنون اقتصادی و علوم و فناوری‌های جدید بوده است. برنامه اصلی این شهرک‌ها، انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های جدید در این

کشور بوده است. به همین جهت است که بیش از ۶۰ درصد صادرات کشوری را که ۵۰ درصد مردم آن کشاورز هستند، محصولات با فناوری بالا تشکیل می‌دهد.

اگرچه در نگاه اول یکی از عوامل پیشرفت اقتصادی در چین باز شدن درهای این کشور به روی جهان دانسته می‌شود اما واقعیت این است که حضور این کشور در عرصه بین‌المللی و جهانی حضوری کاملاً هوشمندانه، برنامه‌ریزی شده و بموقع بوده است. چینی‌ها زمانی درخواست خود را برای ورود به سازمان تجارت جهانی ارائه کردند.

از سوی دیگر کشوری که با پذیرش سریع همه ملاحظات سازمان تجارت جهانی و اعضای آن می‌توانست ظرف مدت کوتاهی به عضویت این سازمان در آید، تن به مذاکراتی ۱۰ ساله با کشورهای عضو این سازمان داد تا ورودش به این سازمان کمکی باشد به تقویت اقتصاد ملی آن و نه تنها بازار گشایی برای کشورهای توسعه‌یافته. طی همین سال‌ها نیز چینی‌ها تلاش کردند توان تولید داخلی (از جهت کیفیت و قیمت) را به نحوی ارتقا ببخشند که آزادی‌هایی که بعداً برای تجار خارجی ایجاد می‌کند، باعث تضعیف تولید ملی و تسخیر بازارهایش نشود. تکیه بر سرمایه‌های داخلی به جای سرمایه خارجی

گاهی به اشتباه تصور می‌شود توسعه و پیشرفت چین مرهون سرمایه‌های خارجی است. این تصور غلطی است، زیرا سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ به مقدار قابل ملاحظه‌ای رسید و پیش از آن عدد قابل ذکری نبود. اصولاً سرمایه‌گذاری خارجی در چین هرگز از ۱۰ درصد کل سرمایه‌گذاری انجام شده در این کشور فراتر نرفته است. این بدان معناست که چینی‌ها عمدتاً به سرمایه و منابع مالی داخلی خود متکی بوده‌اند و اساساً سازندگی حاصل از بهره‌برداری از منابع داخلی باعث شد منابع سرمایه‌ای خارجی نیز به سمت چین حرکت کند. عمده برنامه‌های اصلاحات اقتصادی چین از روستاها آغاز شد و پس از آن به شهرها رسید. این در

حالی است که بر اساس نظریه اقتصاد متعارف (غربی)، اثرات اشاعه‌ای اقتصاد از مرکز به سمت پیرامون صورت می‌گیرد.

تاکید دولتمردان چینی بر ارتقای توان کشاورزان و روستاییان از طریق توسعه آموزش و پشتیبانی‌های فنی، بازاریابی و... باعث شد اقتصاد روستایی این کشور به موتور اصلی برای توسعه آن تبدیل شود. این رویکرد موجب شد نه تنها به لحاظ تامین غذا و پوشاک وضعیت چین به سرعت بهبود یابد، بلکه بعدها بخش عمده محصولات صنعتی صادراتی این کشور نیز از مبدأ روستا اتفاق بیفتد تا جایی که هم‌اکنون برخی تجهیزات پیشرفته نیز در روستاها (در قطعات منفصل و در خانه‌های کوچک) تولید و پس از مونتاژ صادر می‌شود.

البته در کنار سیاست‌های اقتصادی مناسب، نوع نگاه مردم چین به اقتصاد و عملکرد آنها مهم‌ترین عامل پیشرفت اقتصادی این کشور بوده است. یکی از مشخصه‌های مردم چین، فرهنگ بالای کار و تلاش است. مردم این کشور تحت تاثیر فرهنگ کنفوسیوسی، مردمی اهل کار هستند. بر اساس همین فرهنگ بود که چینی‌ها پذیرفتند سال‌ها با درآمد کم کار کنند و اجازه دهند ثروت‌های تولید شده آنها به سرمایه تبدیل شود. فرهنگ مصرف چینی‌ها هم همراستا با برنامه‌های تقویت تولید ملی عمل می‌کند. مردم چین اهل صرفه‌جویی هستند و اسراف نمی‌کنند. حتی در سال‌های اخیر که این مردم صاحب یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان شده‌اند، باز هم فرهنگ مصرف صحیح (و عدم اسراف) را فراموش نکرده‌اند.

مردم چین از وسایل زاید اطراف و منزل خود، کالاهای مفیدی تولید می‌کنند که می‌تواند بخشی از نیازهای آنها را تامین کند. چینی‌ها در مصرف غذا هم بهینه عمل می‌کنند. نظام تغذیه چینی‌ها عمدتاً مبتنی بر سنت‌های این کشور است و با وجود تلاش غربی‌ها، الگوی مصرف غذا در این کشور چندان تغییر نکرده است. به عنوان مثال در این کشور حدود ۳۰۰ رستوران مک‌دونالد وجود دارد، یعنی تقریباً به ازای هر ۴ میلیون نفر یک رستوران. مردم چین عمدتاً به دنبال برند و مارک‌های مشهور نیستند و جز فروشگاه‌های بزرگ و ویژه، اثری از این

محصولات و برندها در چین دیده نمی‌شود. درباره لوازم الکترونیکی مانند موبایل هم نوع مصرف مردم چین آنقدر ساده است که گویی از فناوری روز این دستگاه‌ها که خودشان آن را برای کل جهان تولید می‌کنند، بی‌خبرند.

۹-۵. اقتصاد مقاومتی در روسیه

اگرچه روسیه در سال ۲۰۱۵ با تولیدی معادل ۱۲۳۰ میلیارد دلار آمریکا به لحاظ ارزش اسمی تولیدات در جایگاه ۱۲ جهان قرار داشته است. اما با در نظر گرفتن معیار برابری قدرت خرید این کشور با تولیدی حدود ۳۵۰۰ میلیارد دلار در همین سال در جایگاه ششم جهان قرار داشته است. این کشور در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به لحاظ میزان اثر بر رشد اقتصاد جهانی در جایگاه چهارم جهان قرار داشته است. رئیس‌جمهور روسیه معتقد است این کشور بیش از اندازه به صادرات نفت خام و گاز وابسته است. این در حالی است که خام‌فروشی این دو محصول تنها ۳۸ درصد از کل صادرات این کشور را شامل می‌شود. با این حال روسیه برنامه‌های مهمی برای کاهش وابستگی به نفت و گاز خام و تبدیل این دو ماده طبیعی مهم به منبعی برای توسعه صنعتی خود اجرا کرده و با اعمال تحریم‌های غرب در سال‌های اخیر، اقدامات مهمی برای تسریع در این موضوع در دست اجرا دارد. سیاست‌گذاران و مدیران روسیه بخش زیادی از سیاست‌های اقتصادی خود را بر تقویت تولید ملی و افزایش رفاه شهروندان متمرکز کرده‌اند.

سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تجاری، سیاست‌های علم و فناوری، برنامه‌های مربوط به تقویت زیرساخت‌ها و... عمدتاً با نگاه به تولید ملی و نحوه اثرگذاری آنها بر این رکن اساسی قدرت اقتصادی تنظیم شده است. افزایش حقوق بازنشستگان، ساخت و تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ایجاد مراکز آموزش عالی با امکانات کامل، سرمایه‌گذاری جدی و موثر در آموزش و پرورش و... از جمله برنامه‌های این کشور طی سال‌های پس از

فروپاشی شوروی بوده است که نقش مهمی در تبدیل شدن این کشور به یکی از ۶ بازیگر عمده اقتصاد جهانی در هزاره سوم داشته است.

یکی از سیاست‌های مهم کشور روسیه در مقابله با تحریم‌ها، حمایت از بنگاه‌های آسیب دیده در جریان تحریم‌هاست. از جمله اقدامات کرملین در این ارتباط ایجاد صندوقی برای حمایت از این بنگاه‌هاست. این صندوق که با مازاد بودجه دولت تامین مالی شده است، با سرمایه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیارد روبل کار خود را آغاز کرده است تا با اموری از جمله تامین مالی و تملک مطالبات این شرکت‌ها، قدرت اقتصادی آنها برای ادامه فعالیت در شرایط تحریم را فراهم کند.

۱۰. فرهنگ اقتصاد مقاومتی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

✿ اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصاد داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند؛ هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.

✿ سند چشم‌انداز

چشم‌انداز بیست ساله‌ی ابلاغ شده به مسئولان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، یک امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشم‌انداز بیست ساله پشت سر هم نوشته می شود، صرفاً یک آرزوست و بدون محاسبه‌ی عملی است. به فضل پروردگار، ملت ایران و کشور عزیز ما میتواند در طول بیست سال به این

آینده برسد. این یک آینده مطلوب و یک گام بلند در راه رسیدن به آرمانهای والای اسلامی است که در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی وجود دارد. امروز نظام جمهوری اسلامی در سایه‌ی کار و تلاشی که در سالهای گذشته شده است، به عنوان یک چشم‌انداز روشن برای آینده، میتواند این را مشخص و ترسیم کند. خود این یک پیشرفت است که جمهوری اسلامی بتواند با توجه به واقعیات کشور و واقعیات جهانی، آینده‌ی بیست ساله را به شکل منطقی و محاسبه شده ترسیم کند. به فضل پروردگار این آینده محقق خواهد شد. تصمیم داریم با همکاری مسئولان دلسوز، این آینده تحقق پیدا کند و ان شاء الله تحقق پیدا خواهد کرد.

✿ حماسه اقتصادی:

ما عرض کردیم «حماسه‌ی سیاسی» و «حماسه‌ی اقتصادی». حماسه‌ی اقتصادی فقط دست دولت نیست؛ البته برنامه‌ریزی‌های دولت مؤثر است. حماسه یعنی واقعه‌ی جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور مورد نظر قرار دهند؛ ضعفها را، خلأها را پُر کنند؛ اول بشناسند. در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها باید زندگی و معیشت طبقات ضعیف مورد توجه قرار گیرد؛ بعد برای آنها برنامه‌ریزی کنند. این میشود حماسه. آحاد مردم، چه در مصرفشان، چه در تولیدشان؛ بخشهای مولد یک جور، بخشهای مصرف‌کننده یک جور، بخشهای خدمات یک جور؛ بدانند که برای پیشرفت کشور حرکت جهش‌گونه لازم است، خلق حماسه لازم است؛ آن وقت کشور پیش خواهد رفت، استقرار پیدا خواهد شد. حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، دو توأمانند؛ هر کدامی دیگری را تقویت میکند و حفظ میکند و نگه می‌دارد.

✿ الگوی اقتصاد بومی:

ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.

✽ اقتصاد پیشرو:

ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده‌ی خودمان نگاه کنیم؟ دشمن میخواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سالهای متمادی تلقین کرده است. اینجور باوراندند که حتماً عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد؛ نه، یک روزی تاریخ ما به ما نشان میدهد که قضیه بعکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد میگرفتند، میآموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله‌ی پیشرفت باید آنجور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم.

✽ اقتصاد مولد و درونزا:

ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «علم» بایستی رشد پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ ما گفته‌ایم «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است. وقتی کشوری با تکیه‌ی به استعدادهای درونی، با تکیه‌ی به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه‌ی به علم و دانش خود، با تکیه‌ی به ایمان خود و با اتحاد حرکت میکند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید.

بعضی از کشورها ممکن است تولیدات زیرزمینی خودشان را، نفت خودشان را، بشکه‌های نفت را، منتقل کنند به صاحبان ثروت و علم در دنیا، محصولات آنها را بخرند، یک ظاهر پیشرفتی هم ممکن است به وجود بیاید اما

این پیشرفت نیست؛ پیشرفت آن وقتی است که "درون‌زا" باشد، آن وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولتها و ملتها هم وابسته‌ی به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به وجود آمد، به یک کشور، به یک ملت، وزن می‌دهد، اعتبار می‌دهد، ارزش می‌دهد، اُبَهِت می‌دهد.

بعضی می‌خواهند مشکلات را با کمک دیگران، با تکیه‌ی به دیگران، با رشوه دادن به دیگران، با تذلل در مقابل دیگران حل کنند؛ بعضیها هم نه، می‌خواهند مشکلات را با نیروی خودشان، با توان داخلی خودشان حل کنند - اعتقادمان این است که باید به تقویت ساخت درونی نظام اهمّیت بدهیم؛ این اساس کار است. از درون، خودمان را باید تقویت کنیم. تقویت درونی با اندیشه‌ی کامل، با نگاه عاقلانه و خردمندانه چیزی است ممکن؛ چه به وسیله‌ی پیشرفت علمی، چه به وسیله‌ی ساخت و مدیریت درست اقتصادی؛ اینها کارهایی است که به نظر ما ممکن است.

✿ اقتصاد عدالت‌بنیان:

اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفتِ سطحی و ظاهری و بادکنکی است. وقتی که در یک کشوری، جمعیت معدودی بیشترین بهره‌ی مادی را از آن کشور می‌برند و در همان کشور، در خیابانها مردم از سرما و گرما می‌میرند، عدالت اینقدر نامفهوم و غیر عملی در آن کشور است.

✿ اقتصاد دانش بنیان:

اگر ما ان شاء الله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملتهای مسلمان امروز به آن احتیاج دارند.

✿ اقتصاد بدون نفت:

امروز شما ملاحظه کنید، وقتی روی نفتِ ما فشار می‌آورند، ما دچار مشکل میشویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره‌ی جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم میکردیم، فشار بر روی نفت این قدر برای ما سخت تمام نمی شد.

اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته‌ی به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولتهای ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بگنجانند. من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاههای نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لبخند انکار زدند که مگر میشود؟! بله، میشود؛ باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه‌ریزی کرد. وقتی برنامه‌ی اقتصادی یک کشور به یک نقطه‌ی خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه‌ی خاص تمرکز پیدا می کنند.

✿ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی:

روح اصل ۴۴ این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ و الا اگر مدیریتها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد. اگر چنانچه ان شاء الله این کار بخوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه‌مدت هم انجام نمی‌گیرد؛ این جزو کارهای میان‌مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد، واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد.

ما در نگرشهایمان در مسئله‌ی اقتصاد کشور، در رفتارهایمان و در ساختارهای تشکیلاتی و اداریمان، قوانینمان و قواعد موضوعه‌مان، نقش‌ها و سهم‌هایی که هر کدام از دستگاهها دارند، باید تغییراتی بدهیم و بر اساس این سیاستگذاری و این سیاستها، آینده‌ی خودمان را شکل بدهیم. این جزو وظایف حتمی همه‌ی دستگاههای کشور است. بودجه بر اساس این سیاستها بایستی تنظیم و تصویب بشود؛ باید فعالیتهای اقتصادی بیرون از بودجه، بر اساس این سیاستها تنظیم بشود. در این زمینه هم مجلس، هم دولت، هم قوه‌ی قضائیه و وظائف بسیار مهمی دارند، که باید انجام بدهند.

✿ توانمندسازی بخش خصوصی:

بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاههای دولتی کشور و دستگاههایی که میتوانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. مسئله فقط این نیست که ما بنگاههای اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد،

خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند.

✿ مصرف تولیدات داخلی:

ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالائی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی بجد پرهیز کنیم؛ در همه‌ی زمینه‌ها: زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهم‌تر. به نظر من یکی از قلم‌های مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.

✿ اهداف تحریم اقتصادی:

هدف آن‌ها از این تحریم‌ها این بود که ملت را در راه خودشان مردد نکنند؛ بین ملت ایران و نظام اسلامی جدائی بیندازند؛ مردم را دلسرد کنند، ناامید کنند.

دشمن با تحریم و با فشار اقتصادی گوناگون سعی کرد مردم را از میدان خارج کند. میگویند که ما با مردم دشمن نیستیم. دروغ میگویند؛ راحت، با وقاحت! بیشترین فشار برای این است که مردم ناراحت شوند، مردم در تنگنا قرار بگیرند، مردم زیر فشار قرار بگیرند، شاید بتوانند به این وسیله بین مردم و نظام اسلامی فاصله ایجاد کنند. هدف، فشار بر مردم است. آنچه که دشمنان ما هدف گرفته بودند، صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف بود؛ عمدتاً عرصه‌ی اقتصاد و عرصه‌ی سیاست بود. در عرصه‌ی اقتصاد، گفتند و تصریح کردند که میخواهند ملت

ایران را به وسیله‌ی تحریم فلج کنند؛ اما نتوانستند ملت ایران را فلج کنند و ما در میدانهای مختلف، به توفیق الهی و به فضل پروردگار، به پیشرفتهای زیادی دست پیدا کردیم.

✿ جهاد اقتصادی:

به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه‌ی از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه‌ی حل مشکلات اقتصادی به همه‌ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه‌ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.

✿ فرهنگ و روحیه جهادی:

روحیه‌ی جهادی لازم است. ملت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه‌ی جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدّس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه‌ی جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.

✿ حمایت از تولید ملی:

یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی‌گردد به مسئله‌ی تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله‌ی تولید داخلی را، آنچنان که شایسته‌ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاشهای دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی،

مسئله‌ی تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه‌ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالش‌هایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه‌ی کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین مسئله‌ی تولید ملی، مسئله‌ی مهمی است.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله‌ی تورم حل خواهد شد؛ مسئله‌ی اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده‌ی این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه‌ی دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه‌ی تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه‌ی اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است.

✿ مدیریت مصرف:

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است.

مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت

دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمانِ علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگیمان اهل اسرافیم! بخش عملیات‌یاش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارشهای شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جوئی است و میخواهد صرفه‌جوئی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جوئی کنید. صرفه‌جوئی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

✿ مبارزه با مفاسد اقتصادی:

امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نوسیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

✿ خودکفایی:

کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خودکفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی‌نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که اگر خواست آن را به

دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛ خودکفایی یعنی این.

✿ استقلال اقتصادی:

استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ کس در دنیا داد و ستد نمی کند؛ نه. داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، این ها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه ای باشد. نتواند او را به آسانی کنار بگذارند؛ نتواند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتواند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می خواهند به او املا کنند.

✿ امنیت غذایی:

این ملت عزیز و سربلند، در امر تغذیه و تهیه مواد غذایی اصلی خود، نباید به بیرون مرزها هیچ احتیاجی داشته باشد. از اوّل انقلاب تا امروز، تکیه بر مسأله کشت و زرع، برای تأمین این منظور بوده است. ما برای گندم و برنج و روغن و لبنیات و خوراک دام و بقیه مصارف عمده و اصلی کشورمان نباید نیازمند دیگران باشیم. امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدفهای بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند.

✿ تجارت جهانی و جهانی شدن:

جهانی‌شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی‌شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی‌شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الا جهانی‌شدنی که دهها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها - که همه ابزارهای امریکایی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد؛ بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سرابِ پیشرفت است.

✿ مدیریت واردات:

من نسبت به مسئله‌ی مدیریت واردات به دولتیها سفارش کردم؛ الان هم تأکید می‌کنم. من نمی‌گویم واردات متوقف بشود؛ چون یک جاهائی لازم است که واردات انجام بگیرد؛ اما واردات باید مدیریت بشود. یک جائی واردات مطلقاً نباید بشود؛ یک جاهائی باید انجام بگیرد. با مدیریت، واردات انجام بگیرد. البته مسئولین محترم دولتی به من گفتند که قوانینی که مجلس تصویب کرده، به ما اجازه نمیدهد جلوی واردات را بگیریم؛ من خواش می‌کنم این قضیه را حل کنند. اگر واقعاً قانونی وجود دارد که دولت را ممنوع میکند از جلوگیری از واردات، این قانون را اصلاح کنند؛ جوری باشد که مدیریت بشود. باید تولید ملی بالا برود.

منابع:

۱. اقتصاد مقاومتی با رویکرد دینی، نوشته جعفر محسن زاده، انتشارات سید جمال الدین اسد آبادی،

چاپ اول، ۱۳۹۶.

۳. اقتصاد مقاومتی در آمریکا، نوشته اکبر ابدالی محمدی، انتشارات کتاب فردا، چاپ اول، ۱۳۹۹.

۴. اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد مقاومتی، نوشته وحید شقاقی شهری، انتشارات کتابیران، چاپ اول،

۱۳۹۵.

۵. وب سایت مرکز آمار ایران. www.amar.org.ir

۶. وب سایت مقام معظم رهبری. www.khamenei.ir